



انترناسیونال

۳۳۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۴ اسفند ۱۳۸۸، ۵ مارس ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



زنان ترکیه با زیر پا گذاشتن حجاب
به استقبال هشت مارس
روز جهانی زن رفتند!

صفحه ۸-۹ ویژه ۸ مارس

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی زن

نظام آپارتاید جنسی را درهم بشکنیم!

هشت مارس، روز جهانی گرامیداشت زن و اعتراض به فرودستی و بیحقوقی زنان فرا میرسد. این گرامیداشت و اعتراض در ایران تحت سیطره جمهوری اسلامی از موضوعیت و اهمیت و مبرمیتی بیش از هر جای دیگر دنیا برخوردار است. بیش از سه دهه است که حکومت ضد زن جمهوری اسلامی زنان را از شرکت در بسیاری از فعالیتهای اجتماعی و هنری و ورزشی محروم کرده است، پایه ای ترین حقوق زنان را انکار کرده و یا حداکثر بعنوان نیمی از مرد برسمیت شناخته، و برخورداری زنان از بسیاری از حقوق بدیهی و انسانی نشان مانند حق طلاق و حضانت از فرزندان و حق مسافرت و معاشرت و شرکت در فعالیتهای اجتماعی را به اجازه پدر و یا شوهر منوط کرده است. بیش از سه دهه است جمهوری اسلامی رسماً و قانوناً با زن بعنوان برده جنسی مرد، و مایه انحراف و گمراهی "جامعه اسلامی" برخورد میکند، و بر مبنای چنین تفکر فوق ارتجاعی و ضد انسانی ای حجاب و

صفحه ۸



ستون اول تقلا برای بهم آوردن شکافها کاظم نیکخواه

در بالای حکومت اسلامی جنب و جوشی فعال بچشم میخورد. عده ای راه افتاده اند و به این بیت و به آن مسجد و این حوزه و آن قلعه سر میزنند و پیش این آخوند و آن مجتهد و آن یکی ریش گرو میگذارند و با "تو بمیری من بمیرم" میخوانند شکافها را هر طور شده بهم آورند و به نزاعها و کشاکشها پایان دهند. این تقلاها از ابتدای جنبش جاری شروع شد اما بویژه بعد از ۶ دی (عاشورا) بسیار فعالتر شد. رضائی و لاریجانی و تنی چند از آخوندها نقش تاریخی شان در این دوره برای حفظ "نظام" را همین تعریف کرده اند. حقیقتاً هم این تلاشها بدرجائی نتیجه داد. اما اینکه این نتیجه چقدر میتواند دردی از اینها دوا کند بحث دیگریست. هفته پیش در ادامه همین تلاشها هاشمی رفسنجانی که علیرغم همه میانه بازی هایش، از جانب بسیاری سردمدار اصلی جناح مغضوب تلقی میشد، پای بیانیه مجلس خبرگان را امضا گذاشت که در آن از جمله کل تظاهراتهای نه ماه گذشته تا کنون را به همان زبان خامنه ای و شرکا "فتنه" نامیده است و "سران فتنه" یعنی بزعم آنها موسوی و کروبی را فرمان داده است که ببایند و توبه کنند و گرنه از دایره نظام خارج میشوند. بعد هم در دفاع از "رهبر" یکی دو دهن منبر رفت و زمین و زمان را بهم بافت

صفحه ۲

نفرت و انزجار عمیق علیه جمهوری اسلامی ایران در چهارمین کنگره جهانی علیه اعدام

ممنوعیت اعدام در همه جا و همین الان



نفر اعدام شده در ایران و امریکا و چین، این کنگره نتوانست کاری
صفحه ۱۰

تبدیل شده، روز اعدامها در ایران. وقتی به محل میرسم، به نوعی هیجان زده هستم و همچنین غمگین. برای دلارا و احسان فتاحیان و صدها و صدها

دادن، میخوانند يك واقعه مهم در تاریخ بشری هر چه زودتر اتفاق بیفتد. ممنوعیت اعدام در همه جا، همین الان! این پیام اصلی کنگره بود که بر سر در ساختمان محل کنگره و در کریدورها و در مقابل صندلیهای حضار حك شده بود. ممنوعیت اعدام در همه جا و همین الان.

روز ۲۴ فوریه چهارشنبه بود و برای من این روز، طی سالهای سال به يك روز سیاه و دردناک

مینا احدی
شهر زیبای ژنو، روزهای ۲۴ و ۲۵ فوریه، میزبان، بیش از ۱۰۰۰ نفر فعال علیه اعدام بود. چهره شهر با حضور صدها نفر مخالفین اعدام برای من زیباتر و جذاب تر شده بود. حضور در جمع انسانی که به زبانهای مختلف و با مجموعه ای فعالیتها، از نقاشی کشیدن تا کاریکاتور، از تئاتر و فیلم ساختن، تا میتینگ سازمان

کارگران با گسترش اعتراضاتشان و با شوراهایشان به جلو می آیند

است. بیانیه منتشر شده از سوی این کارگران در میان کارگران پخش شده و در سایت های مختلف منتشر شده و بدست ما نیز رسیده است. قبل از هر چیز به این کارگران تبریک میگویم و

صفحه ۶

شهلا دانشفر
يك حرکت مهم و تاریخی دیگر در این هفته اعلام موجودیت شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر منطقه ای با ۳۰۰۰۰ کارگر

یادداشت سردبیر

بازتاب هفته

مجازات اعدام برای "جرائم مهم و موارد نادر" یاشار سهندی افسانه وحدت سیما بهاری سیامک بهاری جانین خونسرد!
زلزله در شیلی و هائیتی، اضطراب در ایران بهروز مهرآبادی

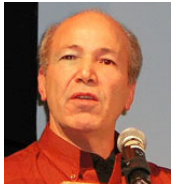
صفحات ۶-۵-۴

در صفحات دیگر

سخنرانی مینا احدی در کنگره جهانی علیه اعدام صفحه ۱۱
خدا کجاست؟ مهدی از سلول مرگ حکومت اسلامی سوال میکند - صفحه ۷

کارگران در هفته ای که گذشت شهلا دانشفر - صفحه ۳
طرحی برای خانه خراب کردن مردم محمد شکوهی - صفحه ۱۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کاظم نیکخواه

یادداشت سردبیر

چند کلمه در مورد نشریه انترناسیونال

نشریه پرشور، پر محتوا، آموزنده و جذاب. نشریه‌ای که بطور اتوماتیک خواننده جلب کند و وسیعاً در ایران و در کشورهای دیگر توزیع شود. نشریه‌ای که بعنوان ابزاری موثر در دست رهبری حزب، گرد خود سازمان ایجاد میکند و فعالین متعددی را گرد می‌آورد و صدا و حرف آنها را به گوش خوانندگان میرساند. در این راستا بطور مشخص فکر میکنم که انترناسیونال باید مهمترین رویدادهای ایران و جهان را پوشش دهد و مهمترین جنبه‌های نهفته این رویدادها را جلوی چشم قرار دهد. باید منقد باشد و جریان‌های مختلف بورژوازی را زیر ذره بین و نقدی موجه قرار دهد. باید انعکاس سیاست‌ها و فعالیتهای کمونیستی کارگری و انقلابی حزب باشد و حزبی‌ها را در هر جا که گامی بر میدارند، بازتاب دهد. باید برای کسانی که میخواهند با کمونیسم و مارکس و منصور حکمت آشنا شوند، در حدی که برای یک نشریه سیاسی مقدور است حرف و بحث داشته باشد. باید جامعه را متوجه نقش و جایگاه و مبارزات و اعتراضات کارگران کند. و همچنین جنبش زنان و گرایشهای مربوط به این جنبش را معرفی کند و در این زمینه حرف بزند. و جنبه‌های متعدد دیگری را نیز میتوان بر شمرد که انترناسیونال بعنوان نشریه حزب کمونیست کارگری باید به آنها بپردازد. عجلانما ما باید صفحه "بازتاب هفته" را به نوشته‌های کوتاه‌تر و خبری‌تر و متعدد تری اختصاص دهیم و مهمترین رویدادهای جهانی را نیز در آنها بیاوریم. صفحه یا پاورقی‌ای به زبانی ساده و پیرایه در معرفی کمونیسم و مارکس و منصور حکمت و حزب داشته باشیم. چنین صفحه‌ای بویژه برای رفقای که تازه به حزب می‌پیوندند و یا با کمونیسم و حزب آشنا میشوند و تعدادشان در ایران بسیار

این یادداشت را قرار بود در شماره قبل بنویسم اما گذاشتم برای آخرین لحظات و انترژیم در آن لحظات ته کشید! از شماره قبل همانگونه متوجه شده‌اید من بعنوان سردبیر انترناسیونال در خدمتستان هستم و دوست عزیزم محسن ابراهیمی بعد از قریب شش سال سردبیری انترناسیونال، به فعالیت خود در این مورد پایان داده و قرار است نشریه‌ی تئوریک تحلیلی حزب را منتشر کند. طول زمانی که محسن سردبیر بوده در حیات حزب فکر میکنم یک رکورد باشد و به یاد ندارم که هیچ کدام از سردبیران به مدتی اینچنین طولانی در راس نشریه‌ی دوام آورده باشند. انترناسیونال طی این شش سال یک نشریه چپ و کمونیستی - کارگری محبوب بوده که در همه حال و با گیر و گرفتهای متعددی که در حزب پیش آمده، با پشتکار محسن و دخالت رفقای مختلف حزبی منظم و با محتوای خوبی منتشر شده است. به محسن عزیز خسته نباشی میگویم و برایش در انتشار نشریه تئوریک - تحلیلی حزب آرزوی موفقیت میکنم و تلاش میکنم که به او در این زمینه یاری برسانم بشرطی که او هم کماکان بعنوان یک نویسنده خوب انترناسیونال به کار خود ادامه دهد! که قولش را داده است.

بگذارید همینجا بطور سردستی و خلاصه تصویری را که از انترناسیونال در این دوره تازه در ذهن دارم بازگو کنم که از یک تصویر ذهنی بیرون آید و ناچار شوم بصورت تعهدی لازم الاجرا با آن برخورد نمایم. و در عین حال شما خوانندگان و دستداران و کادرها و اعضای حزب را نیز در عملی شدن آن به کمک بطلبم. از نظر من انترناسیونال باید در این دوره انقلاب و تحولات و جوش سیاسی پرشتابی که در ایران در جریان است، به نشریه‌ی کمونیستی متناسب این دوره تبدیل شود. یک

تقلا برای بهم آوردن شکافها

از صفحه ۱

"مرگ بر دیکتاتور" و بقیه ماجراها شده است. اما ناچارند چنین وانمود کنند و چاره‌ای جز این ندارند که تلاششان را بکنند و ریشه‌ایشان را پیش یکدیگر گرو بگذارند و تجدید عهد کنند و غیره. به این امید که بر اوضاع تأثیری بگذارند و یا حداقل فرصتی هرچند کوتاه به آنها بدهد که خودشان را در برابر مردم انقلابی جمع و جور کنند. بگذارید قبل از اینکه به سرنوشت این وصله کاریها اشاره کنم این را تأکید و یادآوری کنم که حقیقت را ما از ابتدای این انقلاب بارها گفته ایم و نشان داده ایم. این شکافهای حکومتی‌ها نیست که مسبب و سر منشاء جنبش سرنوشتی طلبی و انقلاب جاری است، بلکه درست برعکس این خشم و نفرت عمیق مردم و عزمشان برای خلاص شدن از شر حکومت است که در حکومت شکافهای عمیقی را ایجاد کرده است. همیشه در تمام طول حکومت اسلامی چنین بوده است و بویژه از حدود ده - پانزده سال پیش که جنبش گسترده سرنوشتی طلبی به جریان افتاد این امر قابل کتمان نبود و امروز بیش از پیش چنین است. انقلاب به حرکت در آمده است. مردم راه متحد شدن و تظاهرات کردن و شعار دادن و مقابله با حکومت منفور اسلامی را پیدا کرده‌اند و گشوده‌اند. مردم محروم و بجان آمده امری عمیق تر از این حرفها دارند که یکی برود و یکی دیگر از همان قماش بیاید. مردمی که هشت نه ماه گذشته با آنهمه فداکاری و از خودگذشتگی میلیونی به خیابانها آمده‌اند، با زبانی رسا اعلام کرده‌اند و نشان داده‌اند که هدفی بسیار اساسی تر دارند. اولین خواست اساسی مردم که بارها و بارها فریاد زده شده است و بیان شده و نشان داده شده است، سرنوشتی کل جمهوری اسلامی و برچیده شدن تمام نهادها و قوانین اسلامی از جامعه است. اینکه رفسنجانی یا این و آن آخوند جایش را این و طرف و آن طرف کند، انقلاب تکان نخواهد خورد.

میلیونها کارگر، میلیونها جوان و دانشجو، میلیونها زن و دختر تحت ستم، میلیونها پیرو جوان به جان آمده و خسته از اوضاع، وارد انقلاب شده‌اند. ممکن است وصله پینه کردن شکافهای حکومت در کوتاه مدت کمی بر ابعاد اعتراضات در کوتاه مدت تأثیری بگذارد اما انقلابی که به حرکت در آمده است، بی تردید شفاف تر و عمیق

تا اوضاع را غیر بحرانی جلوه دهد و نزاعها را "خرده اختلاف" جا بزند. در برابر این چرخش رفسنجانی، او مجدداً توسط رسانه‌های جناح حاکم به لقب "آیت الله" مفتخر گردید و حملات به او بدرجات زیادی متوقف گردید و حتماً قولها و وعده‌هایی برای افشا نکردن ثروتهای خود و خانواده اش به او داده شده است. این یک موفقیت برای جناح خامنه‌ای و شرکا تلقی میشود. موسوی و کروبی اما بدرجات زیادی بر سر موضع خویش ماندند و انتقادهایشان را تکرار کردند. اما لحن اینها هم کمی تغییر کرد و موسوی در مصاحبه‌ای با تأکید بر همان انتقادها و غرورلندیهایش، گفت که من خواهان بیزر کشیدن و کنار رفتن کسی نیستم و اینها را که میگویم اگر همین آقایان هم اجرا کنند، مساله‌ای ندارم. چرخش ظریفی بنظر میرسد اما در عین حال راه را برای آینده باز گذاشته است. کروبی اما آقا مغضوبه باقی ماند و حملات به او تند تر شد. داستان این رفت و آمدها و کش و واکش‌ها طولانی است و ارزش بازگویی بیش از این ندارد.

اکنون با این حد از موفقیت برای جناح خامنه‌ای قطعاً جماعت آخوند درباری و کل عمده اگر حکومت با ترس و هیجان نفسهایشان را در سینه حبس کرده‌اند و از پشت پنجره‌هایشان دارند هرروز خیابان را نگاه میکنند تا ببینند مردم چه میکنند و چه میگویند. و من اینجا میخواهم همین را به اینها جواب دهم.

کم نیستند افراد و جریان‌هایی که جنبش انقلابی جاری را به جنگ و دعوای جناحهای حکومت وابسته میدانند و بخشی از مردم را طرفدار این جناح و بخش دیگر را طرفدار آن یکی تصور میکنند که اگر این جناحها چپ و راست برون، مردم هم با آنها خواهند رفت. حقیقتاً اگر این چنین مفسرین و جریان‌های را سطحی و کودن نخوانیم، باید آنها را مرتجع و ضد انقلاب و از حامیان جمهوری اسلامی که نفعی در اشاعه این تلقی دارند بدانیم. اما خود حکومتی‌ها بجز چند تا آخوندهای فسیل شده‌شان، چون مستقیماً دست اندرکار اوضاع هستند و مردم را در کوچه و خیابان و کارخانه و دانشگاه و همه جا هرروز می‌بینند و میشناسند، فکر نمیکنم حماقتشان تا این حد باشد که فکر کنند دعوای داخلی‌شان باعث تظاهرات‌های عظیم و میلیونی

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

تهران اعلام کرد که وزیر دادگستری در جمع این تشکل از تشکیل پرونده‌هایی برای فرزندان هاشمی رفسنجانی در دستگاه قضایی خبر داده است. این سایت از قول شجونی میگوید "آزاده دستگاه قضایی امروز بر این امر استوار شده است که به هیچ عنوان رسیدگی به اتهامات کسانی که

هم میشکافد. به همین مورد رفسنجانی توجه کنید. هنوز امضای او پای توبه نامه اش خشک نشده، بنا به خبر یکی از سایتهای تند رو طرفدار احمدی نژاد اعلام شد که پرونده فائزه و مهدی هاشمی فرزندان هاشمی تشکیل شده و بزودی محاکمه آنها شروع خواهد شد. بنا به این گزارش "حجت الاسلام جعفر شجونی دبیر کل جامعه وعاظ

تر به پیش خواهد رفت و امکان بیشتری پیدا میکند که کل جناحهای حکومت را نشانه رود.

همین واقعیت پایه‌ای و اساسی است که کل تلاشهای حکومتیان برای وصله پینه کردن شکافهایشان را با شکستی قطعی روبرو میکند. هرچه شکافی را بهم آورند شکافهای تازه‌ای سر بر می‌آورد و پینه‌های قبلی نیز از

کارگران در هفته ای که گذشت

این هفته هفته اعتراضات کارگران مخابرات راه دور در شیراز بود. این کارگران ۱۳ ماه حقوق نگرفته اند. از روز اول اسفند دور جدید مبارزاتشان را شروع کردند. در مجاورت کارخانه و مقابل استانداری فارس تجمع کردند. روز ۵ اسفند بود که حدود ۳۰۰ نفر از کارگران صنایع مخابرات راه دور در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند، برای جلب توجه مردم در سوت‌هایی که همراه داشتند دمیدند. کارگران شعار میدادند "عیدی دولت به ما اسپری فلفله". در این حرکت اعتراضی تعدادی از مردم نیز به صف کارگران پیوستند. در ادامه این اعتراضات روز ۱۰ اسفند ۲۰۰ نفر از کارگران مخابرات راه دور شیراز (ITI) به نمایندگی از طرف کل کارگران که ۷۰۰ نفر میشوند، در ادامه تجمعات اعتراضی خود برای ۱۳ ماه حقوق معوقه شان، در مقابل وزارت صنایع و معادن واقع در تهران تجمع کردند. در این روز ۵ نفر از کارگران به عنوان نمایندگان کارگران به وزارت صنایع و معادن مراجعه کردند و باقی کارگران در بهشت زهرا شب را به صبح رساندند. به گفته کارگران ۱۳ ماه بی حقوقی لطمات زیادی را به خانواده های آنان وارد کرده است، و اکنون در آستانه شب عید و گرانی فشار بیشتر شده و کارگران خواهان پرداخت فوری تمامی طلبهایشان هستند. به دنبال مراجعه کارگران به وزارت صنایع در ۱۰ اسفند، مسئولان این وزارتخانه جلسه ای را برای رسیدگی به وضع کارگران تشکیل دادند. در برابر

اعتراض کارگران مسئولان وزارت صنایع به کارگران وعده دادند که حدود ۲ میلیارد تومان از طلب آنان را روز شنبه ۱۵ اسفند پرداخت خواهند کرد و با این قرار کارگران پس از دو روز به شیراز بازگشتند. تجمع اعتراضی دیگر در شرکت میلاد اصفهان بود. به گزارش شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان، صبح روز دوشنبه ده اسفند ۷۰ کارگر شرکت میلاد از توابع مجتمع صنایع قائم رضا به دفتر این مجتمع واقع در سه راه توحید شهر اصفهان مراجعه کردند و خواستار هفت ماه حقوق معوقه و متوقف شدن بیکارسازی ها شدند. بنا به گزارش پیش از رسیدن کارگران به دفتر شرکت ۴ مامور نیروی انتظامی و تعدادی لباس شخصی در محل در ورودی شرکت مستقر شده بودند. کارگران نخست به دفتر دادخواه مدیرعامل قائم رضا مراجعه کردند، اما وی را در محل کارش نیافتند. سپس طاهر فر عضو هیات مدیره و سهراب نژاد معاون اجرایی به گفتگو با کارگران پرداختند که موفق به آرام کردن اعتراض کارگران نشدند. در این هنگام بود که ابکا عضو دیگر هیات مدیره و مدیرعامل ذوب آهن اصفهان از راه رسید که کارگران با فریاد دزد آمد دزد آمد، از او استقبال کردند. اشاره کارگران به تخلفات ابکا در دوران مدیریتش در ذوب آهن بود که در بیش از ده مورد در دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی محکوم شناخته شد ولی با توجه به وابستگی او به مقامات دولتی و اختلافات و دعوای درون

حکومتی و دزدی هایشان، رسیدگی به پرونده وی متوقف ماند. کارگران پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات از دفتر شرکت خارج شده و وارد خیابان شدند و به گفتگو با عابرن پیاده و سرنشینان خودروهای عبوری پرداختند و مشکلات خود را با آنان مطرح کردند. در این میان پلیس به همراه حراست قائم رضا بارها از کارگران خواستند که به داخل ساختمان برگردند و اعتراضات شان را در آنجا ادامه دهند که با امتناع کارگران روبرو شدند. در نهایت حراست قائم رضا به آنان قول داد که طی چند روز آینده ۱۰۰ میلیون تومان علی الحساب به شرکت میلاد داده خواهد شد تا از محل آن و از محل فروش وسایل و ضایعات شرکت مطالبات کارگران پرداخت شود. لازم به توضیح است که حرکت کارگران شرکت میلاد تحت تاثیر تجمع روز شنبه ۸ اسفند کارگران شرکت متک صورت گرفت و خود این کارگران در طی تجمع شان بارها این موضوع را بیان کرده و از همکاران شان در شرکت متک ستایش نمودند. روز هشتم اسفند بود که حدود ۸۰ نفر از کارگران شرکت متک از توابع مجتمع صنایع قائم رضا در دفتر این مجتمع واقع در سه راه توحید شهر اصفهان در اعتراض به ۷ ماه دستمزد پرداخت نشده خود دست به تجمع زدند. در این شرکت بیش از ۲۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند. در همین رابطه این کارگران قبلا نیز چندین اعتصاب و تجمع اعتراضی داشته اند.

در این حرکت اعتراضی کارگران پس از مشاهد بی تفاوتی و طفره رفتن مدیران متک و قائم رضا وارد جلسه

هیات مدیره شدند و خواستار پاسخگویی به خواسته های شان شدند و مشاجرات تنیدی بین کارگران و هیات مدیره در گرفت و کارگران بر خواستهایشان تاکید داشتند. در جریان این کشاکش بود که مدیریت قائم رضا پلیس را به محل فراخواند. سرانجام هیات مدیره پس از ناتوانی در آرام کردن کارگران با دعوت از مهندس تهماسبی مدیرعامل شرکت متک تشکیل جلسه داد و در پایان جلسه به کارگران قول داد که طی چند روز آینده ۳۰۰ هزار تومان علی الحساب و نیز تا آخر اسفند دوماه حقوق به اضافه عیدی به آنان پرداخت گردد. شرکت متک در شهرک صنعتی فولاد شهرستان لنجان واقع است و در زمینه طراحی و ساخت سازه های فلزی فعالیت دارد.

همچنین روز ۱۱ اسفند کارگران نساجی قائمشهر در اعتراض به ۵ ماه حقوق معوقه خود و وضعیت بلاتکلیفشان از مسیر کارخانه جاده نظامی قائمشهر به طرف فرمانداری شهر راهپیمایی کردند و در سالن اجتماعات فرمانداری این شهر تجمع کردند. در مسیر راه کارگران دیگر نیز به این راهپیمایی پیوستند. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود هستند. مسئولان فرمانداری قائمشهر با دستور به نیروهای حراست از حضور خبرنگاران ممانعت کردند.

حرکت اعتراضی دیگر در این هفته تجمع روز ۹ اسفند کارگران کیان تایر در اعتراض به ۴ ماه حقوق معوقه خود و طلبهای قبلی شان بود که در محل کارخانه دست به تجمع زدند. در این

حرکت اعتراضی کارگران خواهان پرداخت فوری همه طلبهایشان و عیدی شان شدند. فرارسیدن نوروز، بالا رفتن هر روزه قیمت ها و عدم پرداخت دستمزدها فشار سنگینی بر کارگران وارد کرده است. کارگران اعلام داشتند که تا دریافت تمامی دستمزدهای پرداخت نشده خود به اعتصابشان ادامه خواهند داد. همچنین روز ۱۰ اسفند علیرغم ریزش شدید و بی وقفه باران کارگران همچنان در اعتصاب بوده و در برابر درب کارخانه تجمع کردند تا در معرض دید مدیریت باشند و مردمی که از محل عبور میکنند نیز در جریان حرکت اعتراضی آنها قرار گیرند. یک مساله مورد چالش در این کارخانه فشار دولت برای ایجاد شوراهای اسلامی و کنار زدن نمایندگان منتخب کارگران است. در این هفته جلسه ای مرکب از مدیریت کیان تایر و نمایندگان وزارت کارخانه در کارخانه برگزار شد و تصمیم گرفتند که انتخابات شورای اسلامی را در کارخانه به اجرا بگذارند. سپس از یکی از نمایندگان کارگران خواسته شد که این تصمیمات را امضا کند. اما او حاضر به امضا نشد و مقابل آنها ایستاد. در اعتراضات سال ۸۷ بود که کارگران کیان تایر (الاستیک البرز) برای پیشبرد خواستهایشان اقدام به برگزاری مجمع عمومی کردند و طی این مجمع ۲۷ نفر از همکاران شان را بعنوان نماینده های خود برگزیدند. این نمایندگان تا این تاریخ حافظ منافع کارگران بوده اند و عملا دست شوراهای اسلامی را از کارخانه کوتاه کردند.

شهلا دانشفر

انقلابی اند و نه ابزار تغییر آن با روشهای غیرانقلابی. از نظر تاریخ واقعی، اما، اینها جریانانی بیبربط اند. نه پلی واقعی به آینده اند و نه سدی قابل اعتنا در برابر آن. نوبت اینها وقتی فرا میرسد که دیگر عملا دیر شده باشد. "آری امروز بعینه میتوان دید که برای جناحهای خارج حکومتی دقیقا نجات حکومت دیر شده است و ساخت و پاختهایشان نیز تازه اگر بجایی برسد، تاثیر قابل توجهی بر روند انقلاب مردم نخواهد داشت. این را تمام حکومتیان بزودی با چشم های وحشت زده خویش تجربه خواهند کرد. *

جمهوری سوسیالیستی،

جمهوری انسانی است!

تقلا برای بهم آوردن شکافها

از صفحه ۲

ارزش است. تنها نتیجه ای که دارد همان است که مردم در این کشاکش ها رفت و برگشتها چهره این جماعات را بهتر می شناسند و قطعا در تجمعات بعدی شان به شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای شعار مرگ بر رفسنجانی و هرکس دیگر را هم که آشکارا به آن سمت بچرخد اضافه خواهند کرد.

یک واقعیت روشن و مهم در اوضاع سیاسی امروز ایران هم که در این رابطه باید یادآوری کرد اینست که امروز و بویژه بعد از ۶ دی مردم آشکارا از هردو جناح حکومت عبور کرده اند و در این روز تا حد زیادی بطور مستقل پا به میدان و مقابله با حکومت گذاشتند و حماسه آفریدند.

منتسب به خواص هستند را کنار نخواهد گذاشت و پرونده فرزندان هاشمی نیز به دادرسی تهران ارجاع شده و در موعد مقرر در جریان قرار خواهد گرفت. این یعنی زدن زیر توافقات هاشمی و خامنه ای! از سوی دیگر یکی از سایتهای منتسب به جناح دیگر هم همین روزها از قول فائزه رفسنجانی سازش رفسنجانی با خامنه ای را انکار کرد و گفت "او به شیوه خودش نظراتش را پیش میربد" و باز از قول او ادامه داد که "پدرم با جنبش سبز است". از این نمونه ها زیادند. آنچه در اینجا مورد تاکید قرار میگیرد همین حقیقت است که این آشتی ها و نزدیک شدننها بسیار شکننده و ناپایدار و از نظر سیاسی بی

برانت کنند. میشود گفت که این قانون حرکت مردم علیه حکومت است. بگذارید این نوشته را با یک جمله از منصور حکمت که ۱۳ سال پیش در مورد اپوزیسیون حکومتی آن زمان گفت و گویی در مورد اوضاع امروز ایران سخن میگوید، به پایان ببرم. او در نوشته ای تحت عنوان "اپوزیسیون مجاز ایران" چنین میگوید "جریانانی نظیر نهضت آزادی و مذهبیون معتدل و امثالهم تنها وقتی در چهار چوب رژیم اسلامی اجازه خودنمایی پیدا خواهند کرد که سقوط رژیم توسط مردم دیگر محتوم شده باشد. این جریانات ابزار نجات رژیم از یک اوضاع

پیش از آن نیز افرادی نظیر کروی و موسوی بارها فراخوانهایی دادند و مردم آشکارا به آنها بی اعتنائی کردند. هرجا گفتند شعار "ساختار شکن" ندهید، درست برعکس شد. در عاشورا فراخوان ندادند و مردم میلیونی بیرون رفتند و این روز را از یک روز ناب مذهبی به یک روز انقلاب ضد حکومت اسلامی تبدیل کردند. در "فجر" و "قدس" و ۱۸ تیر و برخی روزهای دیگر هم شعارها و حرکت مردم با سناریوی این جماعت پیش رفت. مردم شعار الله اکبر آنها را با "مرگ بر دیکتاتور" جواب دادند. و الی آخر. ۶ دی اما یک نقطه عطف جدی از این نظر بود که هردو جناح حکومت را مات کرد. به نحوی که همه طرفهای حکومت از جمله همین افراد فوق الذکر ناچار شدند از حرکت مردم اعلام

بازتاب هفته

"جرائم مهم و موارد نادر" مجازات اعدام برای یاشار سهندی

هفته گذشته چهارمین کنگره جهانی مبارزه با اعدام در ژنو، برگزار شد. در این کنفرانس از جمله شیرین عبادی هم شرکت داشت، که بعد از دریافت جایزه صلح نوبل کمر همت بسته است هر جور که هست اسلام سیاسی را زیر دست و پای مردم جمع کند، آرایشش کند و بعنوان "دین رحمت" به مردم بفروشد. ایشان که خود را مادر بزرگ جوانان ایران میدانند و آنان را نصیحت میکند که از آنچه که ایشان خشونت میخواند پرهیز کنند و چنان جلوه میدهد که همانقدر شلیک گلوله، تجاوز، شکنجه، زندان و سرکوب بی محابا و بیرحمته نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری خشونت است، سنگ اندازی جوانان برای مقابله با این خشونت بی حد و حصر به همان اندازه خشونت است و جوانان را از "برادر کشی" برحذر میدارد. ایشان که طاقت دیدن دفاع از خود مردم ایران را ندارد و قلب رثوفش بدر می آید، در کنفرانسی علیه یکی از خشن ترین ابزارهای سرکوب جوامع، یعنی اعدام، به دفاع از آن برخاسته است. ایشان به صراحت در مصاحبه با رادیو فردا میگوید: "می‌بایست اساساً مجازات مرگ و اعدام از سیستم کیفری حذف شود و اگر هم وجود داشته باشد، برای جرائم بسیار مهم و در موارد نادر باشد". بلا استثنا همه دولتهایی که اعدام را به اجرا میگذارند همین را میگیرند. بله ایشان به صراحت نشان میدهد که طرفدار این خشونت سازمان یافته، "قتل عمد دولتی" است. البته این را می‌چسباند به کنوانسیونها بین المللی تا مثلاً از خود رفع تکلیف کرده باشد (!)

ما همه میدانیم، دولتهایی مانند جمهوری اسلامی، به ریاکاری تمام میگیرند خواستار این هستند که هیچ حکم اعدامی صادر نشود اما تحت لوای همین "جرائم بسیار مهم" فله ای حکم اعدام صادر میکنند و اجرا میکنند. ایشان به عنوان يك حقوقدان که افتخار این را دارد زمانی در زمان "پهلوی دوم" قاضی بودند بخوبی واقف

هستند گذاشتن يك "اگر" در يك قانون چقدر به راحتی دست دولتها را باز میگذارد که به نفع منافع خود تفسیر کنند، که میکنند. ایشان آگاه است يك ويرگول در متن يك قانون میتواند هزار جور تفسیر بدنبال آورد که قریب ۹۹ درصد این تفسیر از قانون، به نفع نظام ستمگر حاکم است چون آنها هستند که قانون و اجرای قانون را در دست دارند. حالا ایشان باید پاسخگو باشد "جرائم بسیار مهم و نادر" چه جرائمی هستند؟ "به خطر انداختن مصالح مملکت"، "همکاری با دول بیگانه"، "شرکت در احزاب کمونیستی"، "تشکیل جمع های برانداز"، "تعرض به جان و ناموس" و... از این اگرها تا دلتان بخواد دول سرمایه داری حاکم در چنته دارند. گل سرسید شان جمهوری اسلامی است که برای يك شعار دادن نیز هزار جور اما و اگر دارد تا بهانه ای باشد تا حکم اعدام صادر کند. خانم عبادی که دیدن سنگ در دست جوانان آزردہ خاطرش میکند عجیب است که دیدن طناب دار در موارد نادر حتی، ایشان را ناراحت نمیسازد بلکه از آن دفاع میکند.

یکی از شنیع ترین ابزارهای سرکوب مردم اعدام است. این را دیگر ما سی سال است به طور مستمر داریم تجربه میکنیم. يك ذره عدالت خواهی در این حکم نیست. تا آنجا که به "جرائم عادی" بر میگردد بخصوص در جمهوری اسلامی که با حکم قصاص تکمیل میشود کاشتن تخم کینه ورزی بین مردم است. کسی در اثر حادثه ای کسی را میکشد (حتی با قصد قبلی)، جمهوری اسلامی خاندان دو طرف را تا ابد الدهر در مقابل هم قرار میدهد. خانواده مقتول را وادار میکند که شاهد و اجرا کننده حکم باشد تا هیچ راه فراری برای آنها نگذارد. در این جمهوری نکبت زده حکم اعدام برای جرائم عادی نیز ابزار سرکوب سیاسی مردم است. در ماجرای دل آرا دارایی حتی او را صبح روز اول مه به قتل میرساند تا تخم ترس را در دل مردم کاشته باشد. حکم اعدام برای "جرائم سیاسی" که آشکارا يك وسیله ایجاد ارعاب در جامعه است. هرکس مخالف حکم اعدام است باید بخواد

که این حکم به طور مطلق و در همه موارد لغو شود. چیزی به نام "جرائم مهم و نادر" جز بهانه قانونی به دول دادن تا دشتان برای سرکوب مردم باز باشد، نیست. روشن است که شیرین عبادی به عنوان يك درس خوانده حقوق قضایی به خوبی به همه این مسائل واقف است و اکنون که ایشان تاکید به اجرای آن تحت عنوان جرائم مهم و نادر دارد نام ایشان را چه باید گذاشت؟ اما برای درك بیشتر صداقت ایشان لازم است یادآور شوم که "از ایران" در این کنفرانس علاوه بر ایشان، مینا احدی و نازنین افشین جم شرکت داشتند اما خانم عبادی مدعی است از ایران فقط ایشان بودند به اضافه مصطفائی که بدلیل ممنوع الخروج بودن نتوانسته بود شرکت کند. خانم عبادی حتی ابا دارد از کسان دیگری که در این عرصه فعالیت مستمری داشته اند بخصوص مینا احدی، که فعالیت شبانه روزی ایشان مبارزه علیه اعدام را در دستور کار مبارزات مردم قرار داده است نام ببرد. اما این معمای چندان پیچیده ای نیست. باید دید که شیرین عبادی از چی دفاع میکند که اینجا هم دست به سانسور میزند.*



افسانه وحدت

به جرم زن بودن

هفته گذشته اخباری مشابه آنها که دائماً در طی حیات جمهوری اسلامی تکرار شده را در رسانه ها دیدیم و چقدر تأسف انگیز و تکان دهنده بود. ۳ زن در شهرهای کردستان خودکشی کردند. مهرانه خود را در مریوان حلق آویز کرد، ویدا در سنندج خودسوزی کرد و رعنا مادر ۷ کودک در جوانرود. لازم نیست وارد زندگی تک تک این زنان شویم تا درك کنیم که این ۳ زن شبانه روز را در چه جهنمی گذرانده اند که آنقدر از زندگی بیزار شده اند که تن به این چنین مرگ های دردناکی داده اند. زندگی این ۳ زن داستان زندگی دردناک هزاران زن در ایران است. در جامعه ای که طبق قوانین اش زن از هیچ حقی برخوردار

نیست، کالانیت در اختیار مرد، "کشتزار مرد" است، می توان هر بلایی سرش آورد. در آن حکومت توحش اسلامی می شود قانونا استقلالش را گرفت، میتوان خانه نشین اش کرد، توی سرش زد، لگد کوبش کرد، سوزاندش. هر تجاوزی به فکرش استقلالش و بدن اش قانون نیست. زنان در این حکومت حتی اگر مورد تعرض قرار گیرند، بر اساس قوانین اسلامی از پیش مجرم اند. احتیاج به دادگاه و بررسی جرم و کیل هم نیست، جرمشان محرز است. زن هستند. در جایی که خود دولت تجاوزگر است، قوانین اش تجاوز به حرمت انسانی است، وضعیت زنان همین است و میلیونها زن امثال مهرانه، ویدا و رعنا روزانه تحقیر می شوند و صدها زن دست به خودکشی می زنند. خودکشی زنان و دختران یکی دیگر از رتبه های جهانی دولت اسلامی بعد از رتبه اولش در اعدام کودکان است. مقام اش بعد از کشور چین و هند رتبه سوم است. البته با اجازه خوانندگان در این رابطه هم ما رتبه اول را به جمهوری توحش اسلامی می دهیم چون همیشه آمارهایش به دور از واقعیت بوده. تجاوز آشکار به استقلال و هویت زن را جمهوری اسلامی در همان روز های اول ورود نکبت بارش به قدرت با یورش به زنان آغاز کرد. هم، آزادی را از زنان سلب کرد. اولین هجوم اش حجاب بود. اگر آزادی زن معیار آزادی جامعه است، این حکومت با حمله به نیمی از اعضای آن خواست کل جامعه را مرعوب کند و اثری از آزادی در آن باقی نگذارد. حجاب این مظهر آپارتاید جنسی و تحقیر زن پرچم اسلام سیاسی و جانوران حاکم است. به اسلام سیاسی هویت می دهد. هر جا اسلامی به قدرت می رسند اول حجاب را با سرکوب شدید به زن تحمیل میکنند. گشت ثارالله، خواهر زینب و پلیس و شلاق و شکنجه و سنگسار را ۳۱ سال به جان زن ها انداختند چون در آنها مقاومت می دیدند. چون زن ها تابوها را می شکستند. چون حجاب اسلامی را رعایت نمی کردند. چون به "خواهران زینب" دهن کجی می کردند. اینها در تحمیل هر چه بیشتر حجاب از هیچ توحش و

تهاجمی غافل نماندند. سر دختر بچه ۶ ساله به اجبار حجاب کردند. آپارتاید جنسی را در دانشگاه ها و مدارس برقرار کردند. دیوار مدارس دخترانه را بالا بردند، مکانهای مهم در مدارس را به نمازخانه تبدیل کردند، فرستادن صلوات را از دروس فیزیک و ریاضی مهمتر جلوه دادند. خواستند حتی کتاب های درسی را دخترانه و پسرانه کنند. ولی نتیجه چه شد؟ به گفته خود حکومتی ها و آخوندهای نماز جمعه ها، اکثریت جوانان ایران از مذهب بیزارند. سعی کردند زنان را خانه نشین کنند، تعداد دختران دانشجویان از همان سالهای اول بسیار بیشتر از پسران شد. دختران که از روز اول هدف سرکوب حکومت اسلامی بودند در این ۳۱ سال در صف مقدم جنبش اعتراضی بوده اند و به هر شکلی اعتراض خود را به این بردگی نشان دادند و علیه حجاب به انحاء مختلف مبارزه کردند. این حکومت همه قدرت اش را به کار برد که زنان را به عصر جاهلیت و قهقرا عقب براند. تمام سعی اش را به کار برد تا با بردن خرافات و تبدیل مؤسسات علمی به "حوزه های علمیه" در این ۳۱ سال، کودکان را دنباله رو خود کند. اما آشکارا می بینیم که جوانان و زنان رزمنده و شجاع و مردم به جان آمده به پا خاسته اند تا بساط این جهل و نکبت را به هم بریزند. مبارزات زنان علیه تبعیض و نابرابری بخصوص در این چند ماه اخیر، گسترده ترین و شورانگیز ترین صحنه های مبارزه را آفریده است! ۸ مارس امسال فرصتی است که ادعا نامه همه زنانی که در این ۳ دهه مجبور به حمل حجاب اسلامی شدند، همه زنانی که به جرم داشتن رابطه جنسی سنگسار شدند، همه زنانی که اعدام شدند و همه زنانی که قبل از اعدام به آنها تجاوز شد که باره از دنیا نروند، ادعا نامه همه زنانی که در چار دیوار خانه هایشان با اتکا به قوانین اسلامی شکنجه میشوند، و مثل مهرانه، ویدا و رعنا راه دیگری به جز خودکشی ندارند را علیه حکومت اسلامی در مقابل چشم جهانیان قرار دهیم.*

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازتاب هفته



سیمای بهاری

مجوز خروج از خانه

ظاهراً زنان آنچنان هم در جمهوری اسلامی بی حقوق نیستند، با مجوزهایی حتی میتوانند از خانه بیرون بروند! مریم مجتهدزاده رئیس یک موسسه دولتی بنام "مرکز امور زنان و خانواده" وابسته به "نهاد ریاست جمهوری" میگوید: "حجاب زن مجوز خروج زنان از خانه است." باید از ایشان پرسید مجوز از جانب چه کسی و برای کدام زنان؟ زنانی مثل شما که پذیرفته اید ناقص العقل هستید و لازم دارید که از سورتان اجازه خروج بگیرید؟ یا زنانی که در همین هفت هشت ماه گذشته دارند انقلاب علیه حکومتستان را سازمان میدهند و رهبری می کنند؟ ما زنان دسته دوم نه تنها احتیاجی به مجوز برای خروج از خانه نداریم حتی برای سرنگون کردن آن هم مجوز نمی خواهیم. صدای انقلاب ما از زبان ندا در دنیا منعکس شده و در هشت مارس امسال این صدا از گلولی انسانهای آزادیخواه در ایران و جهان با طنین رساتری فریاد خواهد شد. دیر نیست روزی که تمام قوانین ضد زن و ضد بشرستان همراه با خزعبلات دایناسورهایی چون شما و امثالهم به تاریخ بپیوندند. بهروز هشت مارس روز جهانی زن را پیش رو داریم و اولین کار همین است که این "مجوز" را دور بیندازیم و به امثال مریم مجتهدزاده بگوییم این مجوز ارزانی شما و خواهران زینبستان، نگاهها در همه جهان به وضع زنان و مطالباتشان در ایران جلب شده است. در ایران تحت حاکمیت یک رژیم ضد زن وضعیت و توقعات خیلی متفاوت است. جمهوری اسلامی علی رغم ۳۱ سال تلاش برای سرکوب زنان امروز با یک جنبش برابری طلبانه به شدت قوی روبروست. جنبشی که ایده ها و آرمانهایش را نه از مهره های ریز و درشت درون و بیرون حکومت که هر کدام به زبانهای مختلف تحقیر و بی حقوقی زن را فرموله می کنند بلکه از مدرنیسم و ترقی خواهی مردم پیشرو در غرب می گیرد. در این ۳۱ سال موعظه های گوناگون مهره های ریز و درشت

حکومت را اندر وصف فرمانبرداری زن، حفظ عفت زن، قانع و سر به زیر بودن زن، و غیره و غیره شنیده ایم و صد البته نه تنها زنان که کل جامعه زیر بار این خزعبلات نرفته و همین امر موجب درسهای فراوان حکومتیان شده است. گسیل خیل ارادل و گشتهای حزب الله و جند الله و... به خیابانها در مقاطع مختلف برای کنترل حجاب یکی از همان درسهاست چرا که هر جا زنان فرصتی به دست آورده اند حجاب این سمبل تحقیر و بی حقوقی را پرت کرده اند. هشت مارس امسال در دل انقلاب ضد حکومت اسلامی، میتواند صدای زنان تشنه آزادی در ایران را در سراسر جهان انعکاس دهد. زنده باد هشت مارس! زنده باد انقلاب زنانه!*



سیامک بهاری

جانایان خونسرد!

به گزارش خبرگزاری ایسنا، سردار احمدی مقدم در همایش روسای پلیس آگاهی گفت: "پس از وقوع چند فقره قتل، پلیس یک متهم را گرفت و فرد دستگیر شده به ارتکاب قتلها اعتراف کرد؛ اما در زمان دستگیری متهم چند قتل دیگر اتفاق افتاد و پس از آن قاتل اصلی پیدا شد و مشخص شد متهم اول تحت فشار اعتراف کرده بوده است. در این رابطه نه تنها پلیس آگاهی بلکه قاضی هم اشتباه کرده و فرد مورد نظر را محکوم به اعدام کرده بود، بطوری که اگر اعدام به تأخیر نمی افتاد چه بسا این متهم بیگناه اعدام می شد!" مطمئنم شما هم سرتان به دوران افتاده است؟! دارید مجسم میکنید که درون زندانها و شکنجه گاههای بی شمار جمهوری اسلامی و در بیدادگاه هایش چه حجم مهیبی از خون و جنون موج میزند؟! دارید فکر میکنید که یک چنین اعتراضی در یک کشور حتی نیمه مدرن کافی بود که تمام دستگاه پلیس و انتظامی آن کشور را دستجمعی پای میز محاکمه بکشند و مجبور به استعفاشان کنند! اعتراف از این وحشتناکتر، آنهم بعنوان سخنرانی علنی در جمع اصحاب شکنجه ممکن نیست! یکی از عناصر کلیدی سرکوب

مردم، دارد رسماً سیستم قضایی جمهوری اسلامی را به قول خودشان "روبنمایی" می کند! ابعاد جنایات جمهوری اسلامی چنان وسیع است که سردار خونریزش چنین بی مهابا در سمیناری علنی، پرده از اندرون اتاقهای بازجویی و پرونده سازی رژیم اسلامی برمیدارد. نگاه کنید، ببینید چقدر ساده است! با چه خونسردی مشمشر کننده ای این عبارات بیان میشود! متهمی توسط دستگاه پلیس اسلامی دستگیر می شود و آنچنان تحت شکنجه قرار می گیرد که برای رهایی از زجر کشیدن، لا علاج، به چند فقره "قتل ناقابل" اعتراف می کند! سپس توسط دستگاه قضایی پرونده رسیدگی می شود و قاضی عادل اسلامی رای به اعدام فرد متهم میدهد و آب از آب تکان نمی خورد. تصادفاً مضمون دیگری دستگیر میشود و متهم قبلی بیگناه قلمداد می شود! چه کسی تضمین میکند مضمون بعدی به همین شیوه تحت شکنجه قرار نگیرد و به هر چند فقره قتل که بازجویان برایش تعیین کنند اعتراف نکند؟ این سردار خونریز چقدر باید به خودش فشار آورده باشد و روح "لطیفش" را خراش داده باشد تا با صرف نظر از کلمه محبوسیش "شکنجه" بگوید متهم، "تحت فشار" اعتراف کرده! چهره واقعی و لخت و عریان عدل اسلامی سیستم قضایی را با تمامی چهره خونینش ببینید! این حکومت اسلامی است! سردار خونریز اسلام ادامه میدهد: "پس از حوادث کهریزک و موضوعات کوچکی که در مکانهای دیگر اتفاق افتاد... تا همین جای نقل قول کافی است! نیازی نیست بقیه سخنرانی را دنبال کرد، همین عبارت کوتاه بالا برای بررسی یک سلسله جنایت کافی است! اول، به "موضوعات کوچک" نگاه کنید، به موضوعات پیش پا افتاده ای نظیر "تجاوز و کشتار وحشی گری بیمانند سپاه اسلام و رفتار با گروگانهایش در زندانها و چیزهای بی اهمیتی از این دست!" مثل اعدام کودکان، قتل ندا آقا سلطان، تجاوز به ترانه موسوی، زجر کش کردن سهراب ها و اشکان ها، احسان و گلچین ها و حمله به کوی دانشگاه و... و... اینها موضوعاتی کوچک و پیش پا افتاده ای برای جمهوری اسلامی است! که نه در یک جا و یک بار که در مکانهای مختلف انجام شده است. اینها اتفاق نیست، همه اش در اتاقهای فرمان نیروی انتظامی و مودستگاه امنیتی طراحی و مهندسی شده، برایش

چماقدار و چاقوکش و لباس شخصی و سربازان غیبی اجیر شده. اما طرح این "موضوعات کوچک" به آسانی مهره تسبیح در دستان خونینشان میلغزد و رد میشود! اینها "حوادث" روزمره جمهوری اسلامی است. وقتی سردار اسلام از کهریزک حرف می زند پیش از هر چیز برای روزهای شیرین کشتار در کهریزک، دلش غنچ میزند. اما از اینکه یکی از ابزارهای خوش دست بیت رهبری و برادر سعید مرتضوی و سایر برادران نیروی انتظامی را از کف داده اند و مبارزه جانانه مردم، لشکر اسلام را عقب نشانده و بیت رهبری را ناچار کرده جنایات کهریزک را بپذیرند و صدای انقلاب مردم ایران را بشنوند، دلش خون است. بناچار کهریزک و همه هیبت کربیه و خونینش میشود "حوادث"! فقط با کمی فاصله زمانی از سردار احمدی مقدم، اما با همان سبک و سیاق، احمدی نژاد و خامنه ای در باره "کهریزک و موضوعات کوچکی" از این دست اظهار نظر کردند. به نظر خامنه ای حمله به کوی دانشگاه و وحشی گری نسبت به بازداشت شدگان کهریزک در مقایسه با اعتراضات مردم قابل مقایسه نیست! او می گوید: "عده ای ظلم بزرگی را که پس از انتخابات به مردم و نظام اسلامی شد و هتک آبروی نظام در مقابل ملت ها را نادیده می گیرند و مساله کهریزک یا کوی دانشگاه را قضیه ای اصلی قلمداد می کنند، اما این یک ظلم آشکار است." سپس احمدی نژاد، منکر حمله حکومت اسلامی به کوی دانشگاه و دانشجویان میشود. در سخنرانی خود در ششم شهریور در خطبه های پیش از نماز جمعه تهران، حمله به خوابگاه دانشجویان را "سناریوی دشمن" می خواند و انجام آن را به "وابستگان به جریان براندازی" نسبت میدهد! برای ما مردمی که بیش از سه دهه است با چنین هیولایی دست و پنجه نرم میکنیم، تمامی این اعترافات و ابهام و انکارها، درماندگی و عجز حکومتی است که جرات دفاع از اعمالش را ندارد، اما باید منتظر سزای اعمال جنایتکارانه اش باشد. هر دقیقه از عمر کثیف این حکومت یعنی حجم عظیمی از جنایت! این سناریویی است که ما مردم داریم با تلاش و اعتراض روزانه مان با جدال بی وقفه مان، پایانش را تسریع میکنیم. بدون شک افشای جنایات بیشمار هیولای کربیه حکومت اسلامی در دادگاههای صالحه بین المللی بزرگترین صحنه تاریخ تراژدی دو قرن اخیر خواهد بود و

جنایت علیه بشریت در تاریخ معاصر، معنای دردناکتری خواهد یافت.*

زلزله در شیلی و هائیتی،

اضطراب در ایران



بهروز مهر آبادی

وقوع دو زمین لرزه قوی در دو ماهه اخیر در منطقه آمریکای جنوبی جان صدها هزار نفر را گرفت و موجب صدمات جانی و روانی و بیخانمانی و فقر میلیونها نفر شد. در هائیتی قریب سیصد هزار نفر در اثر زلزله جان باختند و در شیلی تعداد تلفات بسیار کمتر یعنی قریب هزار نفر بود اما بیخانمانی و از هم گسیختگی کم نبود. حقیقت آنست که در اول قرن بیست و یکم زمین لرزه میتواند و میتوانست به فجایع بشری تبدیل نشود. اما وقتی جوامع بر اساس سود و سودپرستی و قدرت پرستی میچرخد باید متأسفانه بازهم منتظر فجایعی از این قبیل بود. هم اکنون وقوع این دو زلزله کابوس وقوع زلزله در تهران را بار دیگر افزایش داده است. زلزله هائیتی که در ۱۵ کیلومتری جنوب پورتو پرنس پایتخت این کشور رخ داد، هفت و سه دهم ریشتر شدت داشت. آمار رسمی قربانیان این زلزله به سیصد هزار نفر رسیده است و شهر به ویرانه ای تبدیل شده است. اکثریت جمعیت شهر بیخانمان شده و عوارض بعد از زلزله مانند شیوع سرسام آور انواع بیماریهای عفونی، گرسنگی و بی آبی و ناهنجاری های اجتماعی از قبیل جنایت و فحشا گسترش غیر قابل تصویری یافته است. زلزله شیلی در ۲۲۵ کیلومتری سانتیاگو پایتخت این کشور و در ۱۰۰ کیلومتری شهر کونسپسیون اتفاق افتاده. مرکز این زلزله در منطقه ای غیر مسکونی و در ۳۵ کیلومتری عمق زمین بوده است ولی با وجود این آمار قربانیان آن به بیش از هزار نفر رسیده و ده ها هزار نفر بیخانمان شده اند. این زلزله با قدرت بیش از هشت و نیم ریشتر ساختمانها، پلها و راههای زیادی را ویران ساخته است. تهران هم مانند این دو منطقه زلزله زده در معرض خطر زمین لرزه قرار دارد. در باره خطرات چنین زمین لرزه ای از سوی کارشناسان مختلف بارها هشدار داده شده است. از نظر

بازتاب هفته

زمین شناسی تهران در میان چندین گسل زلزله ای قرار دارد که برخی از آنها امکان ایجاد زلزله با شدت بیش از هفت درجه ریشتر را دارند. در باره تهران (و سایر شهرهای ایران) مطالعات جدی و دقیق زمین شناسی صورت نگرفته است و رژیم های حاکم بر ایران کمتر علاقه ای به این امر و به زندگی و امنیت جانی مردم، نشان داده اند. ولی گزارش هایی که بر اساس امکانات بسیار محدود مراکز و متخصصان علمی تهیه شده احتمال وقوع یک خطر بزرگ را تأیید می کند. بر اساس این گزارش ها دوران تناوب وقوع زمین لرزه در تهران بین ۱۵۰ تا دوست سال برآورد شده است. از وقوع آخرین زلزله بزرگ در تهران بیش از ۱۷۰ سال می گذرد و بر مبنای این گزارش ها وقوع یک زمین لرزه قوی در تهران قابل پیش بینی است. ساختمان های قدیمی تهران در مقابل زلزله مقاومتی ندارند و ساختمان های جدید، برج های مسکونی و مجتمع های مسکونی بزرگ بعلا عدم رعایت مسائل ایمنی، ضعیف بودن و غیر

بعنوان پدر زلزله شناسی در ایران شناخته میشود، اگر زلزله ای به وسعت و شدت زلزله هائیتی در تهران رخ دهد میزان خسارات و تلفات انسانی آن ۱۰ برابر بیشتر خواهد بود. پروفیسور فریبرز ناطقی الهی استاد مهندسی زلزله و سازه در مصاحبه ای اظهار می کند در صورت وقوع زلزله در تهران نزدیک به شش میلیون نفر کشته خواهند شد. ریزش ساختمانهای مسکونی، قطع شبکه های آب و گاز و برق، آتش سوزی، ریزش پل ها و مسدود شدن راهها عوارض طبیعی زلزله در تهران خواهند بود. وجود ساختمانهای بلند پر جمعیت که بدون رعایت استانداردهای ساختمانی در خیابانهای باریک ساخته شده اند، ابعاد فاجعه زلزله در تهران را چند برابر خواهند کرد. بافت شهری تهران و سایر شهر ها بر اساس منافع سرمایه و بورس بازی زمین و مسکن شکل گرفته است. این امری است که در همه جوامع سرمایه داری رایج است و سرمایه داری ایران از این نظر یک قهقرای واقعی است. در هیچ جامعه سرمایه داری ساختن شهرها بخاطر داشتن آرامش، امنیت و سلامتی انسانها برنامه ریزی نشده است. تحت فشار مبارزات مردم در بسیاری از این

جوامع ضوابط و استانداردهایی برای تامین حداقل امنیت انسانها در نظر گرفته شده است، هر چند که این ضوابط در درجه اول حفظ امنیت سرمایه و منافع درازمدت آن است. اما توحش اسلامی حاکم بر ایران و جیب های گشاد آیت اله های میلیاردر و آقازاده هایشان جایی برای در نظر گرفتن ضوابط امنیتی و توجه به جان انسانها باقی نگذاشته است. دست اندرکاران این رژیم که امید می باشد خود ندارند، طبیعتاً نمی توانند دوراندیشی یک طبقه سرمایه دار در وضعیت نسبتاً پایدار را داشته باشند. غارتگری و چپاول تا آخرین حد امکان تنها کاری است که از آنها ساخته است. این را براحتی می توان در هر نقطه ایران دید. متروی تهران یک نمونه آن است که هنوز زلزله ای نیامده است، در موارد مختلف ریزش و خرابی داشته است. خط آهن اصفهان شیراز سال گذشته پس از عبور اولین قطار غیر قابل عبور و خطرناک اعلام شد و تصاویر منتشر شده از این خط آهن پانصد کیلومتری، فقط از دزدی های کلان مالی حکایت می کند. مجتمع های بزرگ مسکونی که توسط سرمایه داران بزرگ احداث می شود، از هیچ

گونه ایمنی برخوردار نیست و ارزشترین و پائینتری کیفیت از نظر مصالح و نحوه اجرا را دارد. به عوارض یک زلزله احتمالی در تهران باید، شیوع انواع بیماریها، نبودن امکانات کمک رسانی، نبودن آب و غذا و مهمتر از همه وجود یک حکومت ضد انسانی را که کاری جز سرکوب و چپاول ندارد، باید اضافه کرد. هنوز پرونده زلزله بم و زلزله رودبار باز است. این دو زلزله با وجود اینکه در مناطقی کم جمعیت رخ داد، جان دهها هزار نفر را گرفت و صدها هزار نفر را از هستی ساقط کرد. در این میان آوایش اسلامی فقط به فکر پر کردن جیب های خود و بزرگترین مانع برای کمک رسانی به مردم زلزله بودند. عوامل حکومت اسلامی بجای کمک به مردم دست به دزدی و سرکوب آنها زدند. خطر وقوع زلزله و آسیب های آن در تهران و بسیاری از شهر های ایران جدی است. اما یک خطر بزرگتر مردم ایران را تهدید می کند و آن حکومت اسلامی است. این حکومت تشدید کننده عوارض زلزله و یا هر سانحه طبیعی است. اولین قدم برای تامین امنیت مردم اینست که شر این رژیم هر چه زودتر از سر مردم کش شود.*

کارگران با گسترش اعتراضاتشان و ... از صفحه ۱

دست رهبران و سازماندهندگان این حرکت مهم را بگرمی میفشارم. این حرکت بدنبال تشکیل شورای موقت کارگران ذوب آهن با ۱۸ هزار کارگر، با بیرون داده شدن منشور حداقل کارگری از سوی ۴ تشکل شناخته شده کارگری، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران فلز و مکانیک کرمانشاه، منشوری با ده خواست فوری کارگری که در آن بر حقوق پایه ای کارگران و آزادی بدون قیدوشرط عقیده و برابری زن و مرد در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آزادی فوری زندانیان سیاسی و لغو مجازات و اعدام تاکید گذاشته است، نشانگر حال و هوای امروز جنبش کارگری و اوضاع سیاسی جامعه است. حال و هوای روزهای انقلاب است. کارگران دارند با شوراهایشان و با بیانیه ها و منشورشان و با اعتراضاتشان که هر روز گسترش بیشتری می یابد به جلو می آیند. در چنین شرایطی است که شورای

گذشت. با برپایی اجتماعات اعتراضی بر خواست آزادی فوری کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی پافشارد. و صدای این اعتراضات را در سطح جهانی انعکاس داد. توازن قوا کاملاً به نفع ماست. باید تمام نیرویمان را بسیج کنیم. متن نامه و بیانیه اعلام موجودیت شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر را در زیر میخوانید.

اعلام موجودیت شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر با احتساب دو مجتمع قدیمی، پتروشیمی رازی و بندر امام (ایران و ژاپن سابق) ۲۰ مجتمع را شامل می شود. این منطقه از اواخر دهه ۴۰ با شروع بکار پتروشیمی رازی فعالیت صنعتی خود را آغاز کرده است و امروز قدیمی ترین منطقه صنعتی پتروشیمی در خاورمیانه محسوب میشود. تا دو سال قبل، تعداد کارگران شاغل در مجتمع های منطقه که به تولید رسیده و یا در حال ساخت

بودند، به بیش از ۵۰۰۰۰ نفر بالغ میگردد که در پی بحران اقتصادی دوسال گذشته و اخراجهای پشت سر هم، به ۳۰۰۰۰ نفر تقلیل یافته است و به معنی واقعی تر یعنی در طی دوسال گذشته در حدود ۲۰۰۰۰ نفر کارگر در این منطقه، اخراج و از کار بیکار شده اند. اخراج کارگران به بهانه های مختلف صورت گرفته که عمده آن پایان یافتن دوره ساخت کارخانجات از طرف سرمایه داران و شرکتهای مطرح شده است. اخراجها، عمدتاً با مقاومتهای زیادی از سوی کارگران مواجه بوده است و امروزه هم، همچنان ادامه دارد. در دوران انقلاب ۵۷، این منطقه از مناطقی بود که فعالین کارگری، با تشکیل شورای کارگران کارگری، با تشکیلاتی برای پروژه ای دست به ایجاد تشکیلی برای متحد کردن کارگران زده که این شورا سخنگوی کارگران بوده و نماینده خواستهای برحق کارگران در انقلابی شد که اساس کارگر بود و کارگر به عنوان ستون فقرات انقلاب علیه رژیم شاه به حساب میامد. فعالین آن سالها امروز یا در میان مانعیتها و یا بازنشست شده اند. بنابراین امروز، اکثر فعالین کارگری، فعالین جوانی هستند که تجربه گذشته را ندارند و

تاریخ آن دوره را از فعالین با سابقه شنیده و آموخته اند. این فعالین به عنوان نماینده خواستهای مختلف کارگران در دل مبارزه برای خواستهای مختلف، از جمله پرداخت حقوق معوقه و متحد کردن کارگران برای مقابله با سیاستهای اخراج سازی سرمایه داران منطقه و دولت حامی آنها، پرورش یافته اند. در ماهها و سالهای گذشته، بارها این فعالین با دادن نامه حمایتی از مبارزات کارگران سایر مناطق ایران، اراده خودشان را بنمایش گذاشته اند. امروز در دل شرایط جدید سیاسی بوجود آمده در جامعه ایران، ما بخشی از این فعالین، تصمیم به تشکیل شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی ماهشهر گرفته و این شورا را به عنوان تشکیلی پایه، برای متشکل نمودن کارگران منطقه اعلام و بیانیه زیر را به عنوان بیانیه شورا و خواستهای کارگران این منطقه با اطلاع عموم می رسانیم و از همه کارگران میخواهیم که در پخش و توزیع هر چه بیشتر این بیانیه و خواستها در میان کارگران، خانواده ها و مردم بکوشند. با این امید که

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

کمک ماهیانه حوزه انترناسیونال از ایران	۶۵۰۰۰۰ ریال
جمیله دهداری سوئد	۱۰۰۰۰۰ کرون
فاطمی بهروز ستاره و جنت و طاهره	۴۳۵۰۰ کرون
کریم شاه محمدی	۳۰۰۰ کرون
بهرام کلاه زری	۱۰۰ دلار
رضا پایدار	۵۰ دلار
محمد تورنتو	۲۰ دلار
اصغر کریمی	۲۰ پوند

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

یا اینکه میگویند تا وقتی خدا نخواهد برگی از درخت نمی افتد، کجاست تا زجه های مادرم را ببینید؟ کجاست تا شکستن من رو بشنود، کجاست تا آه مظلوم را از این مستبدان بگیرد. این مستبدان می خواهند پازل ننگین سیاستشان را با کشتن من و امثال من تکمیل کنند، تا چهره واقعیشان را همچنان مخفی نگه دارند ولی ماه هیچ وقت پشت ابر نمی ماند، بلاخره یک روزی مشخص میشود، ایمان دارم انوقت آنها هستند که محاکمه میشوند، عدل الهی باید در موردشان اجرا بشود.

باری، خدایا بشنو شکستن گردن های بی گناه را
ببین طناب های دار را
ببین گریه های مادران و فرزندان را
ببین تن های کبود بنده هایت را و بشنو سنگ قبرهای بی گناهان را
از باران بشوی چهره های کربیه سیاه انسان نماها را
بباران، بباران
مهدی. الف

زندانی سیاسی محکوم به اعدام
زندان رجایی شهر کرج

مبارزه کرده اند و نباید به این دلیل و هر دلیل مشابه دیگری در زندان بمانند. ما همچنین خواهان آزادی دستگیرشدگان اعتراضات ۸ ماهه گذشته هستیم.
۵- ما خواهان پرداخت حقوقهای معوقه کارگران شاغل در کارخانجات هستیم.

۶- ما خواهان توقف اخراج کارگران از محیطهای کار هستیم.

۷- ما خواهان لغو مجازات اعدام و از جمله اعدام زندانیان سیاسی مانند فرزاد کمانگر، معلم زندانی هستیم. با توجه به شرایط اقتصادی این منطقه و ثروت بی حد و حصری که از این منطقه به جیب سرمایه داران ایران و جهان سرازیر میشود، تحقق این خواستها و بویژه حفظ کار و تامین معیشت و زندگی کارگران کاملاً امری قابل تحقق بوده و بدینوسیله از مسئولین امر در منطقه خواسته میشود که به این خواست کارگران رسیدگی کرده و عملی نمایند.

شورای موقت کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر
۸ اسفند ۸۸

رونوشت: به کلیه سازمانها، اتحادیه ها و سندیکاهای احزاب کارگری ایران و جهان

خدا کجاست؟

مهدی از سلول مرگ حکومت اسلامی سوال میکند

امروز چهارشنبه ۱۲ اسفند ۸۸ ساعت ۹ صبح با مادرم تماس گرفتم، مادرم گفت که تهران هستم، آمده ام دادگاه تجدید نظر دنبال پرونده ات، گفت ثبت دادگاه گفته پرونده را فرستادند دادگاه انقلاب شعبه ۳۶ برای همین به آنجا مراجعه کردم، آنجا هم گفتند پرونده را فرستادند شعبه ۱۵ خدمت قاضی صلواتی، مادر همچنان مشغول صحبت بود اما ناچار شدم به او بگویم ساعت ۱۲ ظهر زنگ میزنم، آخر کارت تلفن نداشتم، ما وضع مالی خوبی نداریم که بخواهم همیشه کارت تلفن بخرم.

در این دو ماه اخیر این پنجمین باری هست که مادرم برای پیگیری پرونده ام به تهران می آید، بسیار رنجور و مریض است، به خوبی نمی تواند راه برود، او یک مادر است، یک مادر واقعی.

دوباره ساعت ۱۲ ظهر زنگ زدم، مادرم گفت رفتم خدمت آقای صلواتی خیلی گریه کردم، التماس کردم، خواهش کردم، ولی او بی توجه به صحبتهای من بدون هیچ سندی، گفت

کارگران با گسترش اعتراضاتشان و ... از صفحه ۷

روزی با مجمع عمومی های صدها و هزاران نفره در محیطهای کارگری و محلهای زندگی کارگران، شاهد شکل گیری شوراها علنی در منطقه باشیم. قطعاً امروز دور نیست.

بیانیه شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

۱- با توجه به شرایط حاد اقتصادی و سیاسی موجود در ایران زندگی کارگران با مخاطرات جدی روبرو شده و از آنجا که کارگر در ایران از هیچگونه تشکلی برای طرح و دفاع از خواسته هایش ندارد، لذا:

ما کارگران خواهان حق ایجاد تشکل و داشتن چنین ظرفی برای طرح و دفاع از خواستههای برحق هر روزه مان هستیم و این تشکل همانا، مجمع عمومی کارگران در کارخانه و یا محل زندگی مان است.

مجمع عمومی کارگری، با توجه نیاز کارگران برای دفاع از شرایط کار، زندگی و معیشت میتواند و باید تشکیل شود.

۲- ما خواهان تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۹، توسط شورائی متشکل از نمایندگان کارگران

انقلاب انسانی برای حکومت انسانی!

زنان ترکیه با زیر پا گذاشتن حجاب به استقبال هشت مارس روز جهانی زن رفتند!

زنده باد همبستگی زنان ایران و ترکیه، علیه قوانین اسلامی، علیه حجاب و جداسازی جنسیتی!

روز چهارشنبه ۳ ماه مارس، زنان ترکیه به خیابان رفته و با پاره کردن حجاب و زیر پا گذاشتن آن، به روند اسلامی کردن ترکیه و تحمیل حجاب به زنان و دخالت قوانین اسلامی در زندگی زنان در ترکیه اعتراض کردند. جریانات سکولار که از مخالفان اردوغان و احزاب اسلامی در ترکیه هستند، این تجمع را فراخوان داده بودند.

پارچه های سیاهی به عنوان نماد حجاب، تکه تکه شد و زیر پا گذاشته شد، تا زنان ترکیه، فریاد اعتراض خود علیه حجاب و قوانین ضد زن اسلامی را بیان کنند.

ما به زنان آزاده ترکیه درود میفرستیم و اعلام میکنیم که هشت مارس امسال در همه کشورهای اسلام زده و در خاورمیانه باید به خیابانها آمد و با زیر پا گذاشتن حجاب، به جنبش اسلامی و دخالت مذهب در زندگی خودمان اعتراض کنیم. میلیونها زن در ایران، در چند ماه اخیر به خیابان آمده و به همراه مردان آزاده اعلام کردند که حکومت اسلامی باید برود. امسال هشت مارس، سال همبستگی با جنبش برابری طلبانه زنان در ایران است و ما به همراه همه زنان و مردان آزاده در ایران و ترکیه و عراق و افغانستان و... به استقبال هشت مارس میرویم و متحدانه اعلام میکنیم که حجاب اسلامی نمیخواهیم، آپارتاید جنسی ممنوع و حکومت اسلامی سرنگون! در اینجا صحنه هایی از این میتینگ زنان ترکیه علیه حجاب را ملاحظه میکنید.

روابط عمومی کمپین هشت مارس
۴ مارس ۲۰۱۰
تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳



گزارش بزرگداشت روز جهانی زن در ونکوور - کانادا

ساعت ۷ عصر روز شنبه ۲۷ فوریه ۲۰۱۰، قریب به ۱۰۰ تن مراسم بزرگداشت و جشن روز جهانی زن را در ونکوور برگزار کردند. مراسم با اعلام برنامه توسط مینا بهروزی و سخنرانی ویدئویی مینا احدی آغاز شده و با شعر خوانی و سخنرانی تنی از فعالین اجتماعی - سیاسی ادامه یافت. از جمله سخنرانان برنامه فهیمه صادقی و زهره قرایی بودند که در رابطه با موقعیت جنبش زنان و دستاوردها و اهداف آن سخنرانی کردند. سپس تاریخچه معاصر جنبش آزادی زن در ایران از مقطع انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون توسط یاسی بیانی از فعالین ایران سولیدارستی ونکوور و

پیام حمید تقوائی...



جداسازی جنسی را، در خیابان و مدرسه و دانشگاه و کارخانه و اداره و مترو و اتوبوس، به جامعه تحمیل کرده است.

اما در برابر این وضعیت زنان و مردان آزاده ایران هیچگاه تسلیم نشده اند. درک عمومی مردم و تلقی جامعه از موقعیت و حرمت و مقام زن در خانواده و در جامعه درست نقطه مقابل درک و تلقی ارتجاعی است که رژیم اسلامی نمایندگی میکند. و از همین رو رژیم ضد زن حاکم همیشه مانند یک وصله ناجور و یک غده چرکین از سوی مردم دفع شده است. از همین رو است که از همان اولین روزهای روی کار آمدن جمهوری اسلامی، از همان هشت مارس، ۱۷ اسفند سال ۵۷، تا امروز مقاومت در برابر این وضعیت و مبارزه برای رهایی زن بطور پیگیر و بیوقفه ادامه داشته است.

امسال روز جهانی زن، روز برآمد و عرض اندام هر چه قدرتمندتر این مبارزه و روز تعرض یکپارچه علیه رژیم و نظام ضد زن حاکم است. روز جهانی زن در شرایطی فرا میرسد که بیش از هشت ماه است یک مبارزه وسیع توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی شکل گرفته و بیوقفه به پیش میرود. زنان را در هم بشکنیم!

روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزاده در ایران و در سراسر دنیا تبریک میگویم.

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۸، ۳ مارس ۲۰۱۰



فهیمه صادقی سخنران مراسم هشت مارس در ونکوور کانادا

جنبش انقلابی زنان و از شرکت کنندگان در تظاهرات زنان در سال ۱۳۵۸ ارائه شد. این قسمت که شامل فیلم تظاهرات و عکسهایی از سیر تحول جنبش آزادی زنان علیه حجاب اجباری و قوانین ضد زن رژیم جمهوری اسلامی بویژه در سالها و ماههای اخیر بود، به نحو بسیار تخصصی و افشاگرانه ای به زبانهای انگلیسی و فارسی ارائه شد. برنامه با صرف شام و موزیک و بحثهای گوناگون بین حاضرین تا ساعتی پس از نیمه شب ادامه یافته و در میان شادی و سرور شرکت کنندگان پایان یافت. حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات غرب کانادا
۱ مارس ۲۰۱۰

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

۸ مارس با پرچم سرنگونی رژیم ضد زن جمهوری اسلامی و همبستگی با زنان ایران به میدان بیائیم!

۸ مارس روز جهانی زن فرا می رسد. در خارج کشور در هر شهری که هستتید به همراه زنان و مردان آزادیخواه جهان به میدان بیائید و پرچم مبارزه علیه رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را بلند کنید و خواهان سرنگونی این رژیم زن ستیز شوید! به میدان بیائید تا با زنان ایران همبستگی خود را نشان دهیم و به آنها بگوئیم در کنار مبارزه شان برای رهایی قرار داریم. هشت مارس بهترین فرصت برای دامن زدن به یک مبارزه بزرگ و اجتماعی در خارج کشور علیه حکومت اسلامی ایران است. هشت مارس بهترین فرصت برای جلب همبستگی میلیونی مردم در دنیا به نفع مبارزات مردم ایران است.

ساعت سه بعد از ظهر، یک تجمع اعتراضی در مقابل پارلمان هلند برپا میشود. در این میتینگ، فعالین مدافع حقوق زن از ایران و افغانستان و هلند سخنرانی کرده و همبستگی خود را با جنبش برابری طلبانه زنان در ایران اعلام خواهند کرد. فرشته مرادی فعال سرشناس و محبوب مدافع حقوق زنان، به همراه تعداد دیگری از فعالین مدافع حقوق زن از سازمان دهندگان این حرکت مهم هستند.

هشت مارس ساعت سه بعد از ظهر مقابل پارلمان هلند در دنهاخ تلفنهای تماس با فرشته مرادی: ۰۶۴۶۶۲۴۳۸۰ و اکسرم: ۰۶۴۵۵۴۱۳۰

روتردام

دوشنبه ۸ مارس - تظاهرات در همبستگی با زنان ایران از ساعت ۱۴ - محل تجمع در مقابل "استاد هوس" - فراخوان دهنده: اتحاد زنان آزادیخواه

سوئد: استکهلم

از سوی علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن برگزار می شود: دوشنبه ۸ مارس - اجتماع در Södermalmstorg از ساعت ۱۵ تا ۱۷:۳۰ با نمایش ویدیو کلیپ، میز کتاب، نمایشگاه عکس و سخنرانی و از ساعت ۱۸ به راهپیمایی بزرگ ۸ مارس به اتفاق تمامی سازمانهای مدافع حقوق زنان به طرف Medborgarplatsen همراه خواهیم شد و همبستگی خود با زنان ایران را نیز به نمایش خواهیم گذاشت.

سوئد: گوتنبرگ

دوشنبه ۸ مارس - برگزاری مراسم بزرگ روز جهانی از سوی کمیته ۸ مارس مرکب از سازمانهای سوئدی و ایرانی - این مراسم ساعت سه بعد از ظهر در رستوران تراپان جنب فولکت هوس برن توریت برگزار میشود. این برنامه شامل سخنرانیها و موسیقی و اجرای تئاتر هست. سوسن صابری، یکی از سخنرانان این مراسم است. سوسن در مورد موقعیت زنان و جنبش برابری طلبانه زنان در ایران و اهمیت دفاع از این مبارزات زنان در سطح بین المللی سخنرانی خواهد کرد.

دوشنبه ۸ مارس - به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران یک

راهپیمایی در مرکز شهر گوتنبرگ انجام خواهد گرفت. مکان این تظاهرات برونز پارکن روبروی فمان و زمان آن ساعت چهار بعد از ظهر خواهد بود. پس از اجتماع در این محل، تظاهرکنندگان به راهپیمایی بزرگ ۸ مارس در شهر ملحق خواهند شد. این راهپیمایی از ساعت شش بعد از ظهر از میدان گوستاو آدولف شروع میشود و حرکت بسوی یوتا پلاتسن خواهد بود. در این راهپیمایی نیز سخنرانیهای متعددی خواهد بود و نمایش نور یکی از برنامه های این حرکت بزرگ است.

سوئد: مالمو

دوشنبه ۸ مارس - مراسمی بمناسبت روز جهانی زن برگزار می شود که در همبستگی با زنان ایران عنوان "به خواهر" را دارد. یکی از سخنرانان این برنامه فریده آرماس چهره سرشناس و محبوب دفاع از حقوق زنان است. در این برنامه فعالین کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران، با نمایش فیلمی از مبارزات زنان در ایران و ندا آقا سلطان، از همگان خواهند خواست برای سرنگونی حکومت اسلامی به یاری مردم ایران بشتابند. در بخش دیگری از این برنامه، فرح، یکی از فعالین مدافع حقوق زن در مورد شرایط زندگی و مبارزه زنان در ایران سخنرانی خواهد کرد. محل این مراسم، Kronatorpsgratan 1 و زمان آن ۱۷ تا ۲۱ خواهد بود.

راهپیمایی ۸ مارس - مارش روز جهانی زن از ساعت ۱۸ از میدان گوستاو شروع می شود و در میدان "مولونگن" خاتمه می یابد. در این راهپیمایی با عکس ندا و بنر همبستگی با زنان ایران شرکت خواهیم کرد. تلفن تماس: فریده آرماس - ۴۶۷۰۳۳۸۰۸۸+

کانادا: ونکوور

دوشنبه ۸ مارس - بدعوت ایران سولیدارتی در ونکوور در اعتراض به خشونت علیه زنان، در اعتراض به آپارتاید جنسی و حجاب اجباری در ایران، در اعتراض به قوانین شریعه و بنظر پشیمانی از مبارزات زنان برای آزادی، برابری و یک جامعه انسانی تظاهراتی در مقابل آرت گالری ونکوور برگزار می شود. برنامه شامل سخنرانی از طرف زنان بومی کانادا، زنان ایرانی، عراقی و افغانی و میکروپن آزاد است.

زمان: شنبه ۶ مارس، ساعت ۱۳ تا ۱۵ مکان: ضلع جنوبی آرت گالری (تقاطع هاو و رابسون)

تورنتو

دوشنبه ۸ مارس شرکت در راهپیمایی روز جهانی زن که از طرف سازمان کانادایی آی دبلیو دی برگزار میشود. شنبه ۷ مارس میتینگ سازمان زنان ۸ مارس (ایران افغانستان) ترانتو کاناد مکان ایستگاه نودت بورکمان میدان مل لسن

ساعت ۱۳ تا ۱۶

برنامه دیگری طی همین روز و در همان محل از ساعت ۱۶ تا ۱۸ از طرف علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن و سازمان رهایی زن در عراق برگزار می شود

آلمان: فرانکفورت

دوشنبه ۸ مارس - تظاهرات ساعت ۵ عصر از مرکز شهر فرانکفورت به سمت اطاق بازرگانی و بعد از آن به طرف دفتر ایران ایر. همراه با نمایش فیلمهایی از ایران در هوای باز. تلفن تماس: شهناز مرتب ۰۱۵۷۸۱۶۸۸۳۲۲

آلمان: برمن

دوشنبه ۸ مارس - از ساعت ۱۲ تا ۱۴ برگزاری میز اطلاع رسانی به همراه نمایشگاه عکس در دانشگاه برمن

فرانسه: لیون

دوشنبه ۶ مارس - به دعوت حزب کمونیست کارگری و انجمن همبستگی فرانسوی ایرانی، از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در مرکز شهر لیون، واقع در پلاس بلکور، در دفاع از مبارزات زنان ایران برای آزادی و برابری یک تجمع اعتراضی برگزار می شود. از ساعت ۸ شب همان روز نیز مراسمی بمناسبت ۸ مارس در محل پاتق همبستگی به همراه برگزاری تئاتر، موسیقی و شام برگزار خواهد شد. ورود برای عموم آزاد و رایگان است.

فرانسه: بزائسون

دوشنبه ۸ مارس - مراسم ۸ مارس از ساعت ۹ صبح چادر و میز اطلاعاتی در مورد مسایل زنان در مرکز خرید شهر بزائسون.

تظاهرات از ساعت ۱۷ در میدان مرکزی شهر (میدان پاسستور) از طرف انجمن همبستگی با مبارزات زنان. سخنران: Pascal Descamps

نروژ - اسلو

دوشنبه ۸ مارس - اجتماع اعتراضی و

غرفه اطلاعاتی رسانی شامل آپل و سخنرانیهای کوتاه، در برابر پارلمان نروژ - از ساعت ۱۲:۳۰ از سوی واحد نروژ تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری و فعالین سازمان علیه تبعیض. از همه مخالفین حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و جریانات مدافع حقوق برابر زن دعوت به حضور فعال در این تجمع میشود.

دوشنبه ۸ مارس - شرکت در میتینگ راهپیمایی روز جهانی زن ساعت ۱۸ در Youngstorget-Oslo که از طرف کمیته ۸ مارس و سازمانهای نروژی برگزار می شود. تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر: ۰۱۰۶۹۸۶۹۴

آمریکا: واشنگتن دی سی

یکشنبه ۷ مارس - در مقابل دفتر حفاظت جمهوری اسلامی در خیابان وسیکانسن ساعت ۱ بعد از ظهر تجمع به مناسبت روز جهانی زن حمایت از مبارزات مردم ایران برای آزادی و برابری و اعتراض به رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی

دالاس

یکشنبه ۷ مارس - پیک نیک به مناسبت روز جهانی زن و همبستگی با مبارزات زنان در ایران ساعت ۲ بعد از ظهر Russell creek Park McDermoot road - Plano مکان ۸ شب همان روز نیز مراسمی بمناسبت ۸ مارس در محل پاتق همبستگی به همراه برگزاری تئاتر، موسیقی و شام برگزار خواهد شد. ورود برای عموم آزاد و رایگان است.

نروژ: اسلو

دوشنبه ۸ مارس - اجتماع اعتراضی و غرفه اطلاعاتی رسانی شامل آپل و سخنرانیهای کوتاه، در برابر پارلمان نروژ - از ساعت ۱۲:۳۰ از سوی واحد نروژ تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری و فعالین سازمان علیه تبعیض. از همه مخالفین حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و جریانات مدافع حقوق برابر زن دعوت به حضور فعال در این تجمع میشود.

دوشنبه ۸ مارس - شرکت در میتینگ راهپیمایی روز جهانی زن ساعت ۱۸ در Youngstorget-Oslo که از طرف کمیته ۸ مارس و سازمانهای نروژی برگزار می شود. تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر: ۰۱۰۶۹۸۶۹۴

روابط عمومی کمپین هشت مارس - ۲۵ فوریه ۲۰۱۰



نفرت و انزجار عمیق علیه جمهوری اسلامی ایران در ... از صفحه ۱

مصاحبه میکنم.

جالب اینست که امروز که از سفر اطریش برگشته‌ام، با نگاهی به رسانه های باشرف فارسی زبان نظیر "دوویچه وله" فارسی و دیگران می بینم که چقدر راحت حتی در زمینه خبرسانی اسم مرا و یا اسم نازنین افشین جم را حذف کرده و فقط از سخنرانی "بانوی جایزه گرفته" ایرانی در کنگره جهانی علیه اعدام حرف زده اند. اینهم خبرسانی از نوع دوویچه وله و... است. چشم ما به اینهم روشن شد!!!

روز پنجشنبه باید متن کتبی سخنرانی خودم را ساعت هشت صبح به سازمان دهندگان جلسه بدهم. یک ربع به هشت آنجا هستم و فکر میکنم، نگهبانان در که با کمی تعجب مرا نگاه میکنند، با خودشان فکر میکنند، چه زود آمده‌است. کارتی که باید نشان بدهم را با خود ندارم، و در هتل جا گذاشته‌ام، ولی خوشبختانه نگهبان از دیروز اینجا است و مرا می شناسد.

سخنرانی من قرار بود به آلمانی باشد، ولی چون شیرین عبادی هم سخنران این قسمت است و فارسی حرف میزنند، منم باید فارسی حرف بزنم. بهمین دلیل سخنرانی ام را باید مجدداً بنویسم. بهر حال متن را تحویل میدهم.

پیش از ظهر در جلسات دیگری شرکت میکنم و ساعت ۲ بعد از ظهر وقت پلنوم امروز است. موضوع کنفرانس اینست، مشکلات بعدی در ممنوعیت کامل اعدام. نمونه هایی از ایران، ژاپن، چین و آمریکا

سخنرانان: مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام، گیل چایزی از نیومکزیک-آمریکا، شیرین عبادی وکیل ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل، روگر هوود، استاد دانشگاه آکسفورد از انگلیس، تیان یونگ چیان وکیل چینی، جوی لی، وکیل حقوق بشر در چین، مائوریس پوزلی ژورنالیست از آمریکا، مایکو تانوکوساری وکیل از ژاپن، جون وان دکمپ از لس آنجلس آمریکا، رناته وولوند، مسئول گزارشی از اعدامها و نحوه مقابله با آن از اتحادیه اروپا، از لوکزامبورگ، نینگ چانگ استاد دانشگاه از ژنو، آریکا برنارد و همچنین کیل اشتفان بوسارد ژورنالیست از سوئیس

برنامه با خوشامدگویی و

ببینم در کشورهای دیگر که اعدام قانونی است، چه میکنند و بویژه چگونه علیه آن مبارزه میکنند.

اولین روز در برنامه ها می بینم که هر روز ساعت ۲ بعد از ظهر یک پلنوم بزرگ هست و سخنرانان زیادی در آن حضور می یابند و قرار است من فردا یعنی پنجشنبه در این پلنوم سخنرانی کنم. ساعت ۲ بعد از ظهر چهارشنبه وارد سالن بزرگ این پلنوم میشوم و به سخنرانیهای آنها گوش میدهم. آمار اعدامها در چین و ژاپن، نحوه مقابله با اعدامها، سببیت اعدام کنندگان و فروش بدن اعدامها و فیلم کوتاه در این مورد، حالم را بشدت متقلب میکند. دنیای کثیفی است...

حدود ساعت چهار و نیم بعد از ظهر قرار است نازنین افشین جم به همراه تعداد دیگری سخنرانی کند. با دوستان به سالن محل سخنرانی نازنین میروم. دیدار با نازنین برای من خیلی مهم است، چرا که مدتها است او را ندیده‌ام و دلم برایش تنگ شده ... چند دقیقه بعد از اینکه وارد سالن میشوم، نازنین از راه میرسد. همدیگر را محکم بغل میکنیم و از اخبار فعالیتهای همدیگر، حرف میزنیم. قرار است محمد مصطفایی هم سخنرانی کند، که مانع خروج وی از ایران شده اند و جای او با اسمش در این پانل خالی است. سخنرانی نازنین کار شده و با فاکتهای متعدد و بسیار مفید است. و بعد از او چند نفر دیگر سخنرانی میکنند و من چون مصاحبه دارم از سالن خارج میشوم.

تا ساعاتی بعد از این سخنرانی، همچنان در کریدورها و سالنهای دیگر هستم و به سخنرانیها گوش میدهم. یکی از بهترین برنامه ها، کنفرانس "کاریکاتورستها از دنیا علیه اعدام" هست. مرد جوانی از بورکینا پاسو با کاریکاتورهای بسیار جالب که از ایران و احمدی نژاد هم تعدادی کاریکاتور در بین آنها هست، از تجارب خود در مقابله با اعدام حرف میزنند و یا یک کاریکاتورست بسیار بذله گوی ژاپنی، کاریکاتورهای خود را نشان میدهد و ما در حالیکه از ته دل میخندیم، ولی در عین حال میدانیم که در مورد یکی از فجایع جوامع بشری داریم حرف میزنیم. مهم اینست که همه مخالفین به هرنوعی که میتوانند دارند اعتراض میکنند.

شب به هتل محل اقامت خود میروم و با چند رسانه فارسی زبان بکند، ولی برای صدها و صدها نفر میتواند موثر باشد و باید در این همایش های بزرگ حضور داشت و دولتهای دیکتاتور را تحت فشار گذاشت و به این دوره تاریک در تاریخ بشر پایان داد.

بعد از معرفی خودم به قسمتی که برای میهمانان بین المللی و سخنرانان کنگره است، میروم و بعد از اینکه کارتی دریافت میکنم که باید در همه جا آنرا با خود داشته باشم، وارد اولین کریدر میشوم. چندین میز اطلاعاتی و کتب متعدد، و بروشورهای مختلف اطلاعاتی در مورد اعدامها، اولین جایی که سر میزنم، میز سازمان عفو بین الملل سوئیس است. در سال ۲۰۰۵ به همراه چندین شخصیت سرشناس جهانی علیه اعدام و از جمله مسئول عفو بین الملل آمریکا، ریک هالپرین، ده روز در سوئیس، گشت سیاسی علیه اعدام "داشتیم. این برنامه بسیار موفق را عفو بین الملل سوئیس فراخوان داده بود و لوکاس لاپهارت، از مسئولین امنستی سوئیس در آنجا است. همدیگر را در آغوش میگیریم و از او در مورد کل برنامه سوال میکنم. در همانجا مرجان افتخاری را می بینم، سپس دوستان دیگری که از قبل آنها را می شناسم. انسانهایی عزیز و زخم خورده از حکومت فاشیست اسلامی و مدتی بعد شهین نوایی و دوستان دیگری که از ایران هستند و میخوانند اینجا در مورد ایران و همچنین علیه اعدامها در همه جا فعالیت کنند و تاثیر بگذارند.

به چهره مرجان نگاه میکنم و میگویم، باید به افرادی مثل او در این کنگره ها امکان دهند، بگویند، در زندان حکومت اسلامی بودن یعنی چه و از انسانهای بزرگی بگویند که در سالهای سیاه شصت و یا شصت و هفت، وحشیانه به قتل رسیدند، بگویند که اعدام فقط برای ایجاد وحشت است و این حکومت جنایت اسلامی با اعدام کردن بهترین انسانها، خود را ساخت، با اعدام نفس کشید و با اعدام آخرین روزهای سیاه زندگیش را سپری میکند. اما در کنفرانسهای جهانی هم، هنوز امکان صحبت برای خلیهها که حرفهای زیادی برای گفتن دارند، فراهم نیست...

بهر حال یک جمع کوچک از دوستان قدیمی را در آنجا پیدا میکنم و از این جلسه به آن جلسه میروم، تا

زنگ میزنند و میگویند "خاله مینا بزودی ۱۸ ساله میشوم، کاری نکنید" میدانید چرا، برای اینکه در اینجا در مورد حکومتی حرف میزنم که کودکان را در زندان نگهداری میکند و یک روز بعد از جشن تولد ۱۸ سالگی آنها را به قتل میرساند... در ایران ۱۶۰ کودک در این شرایط زندگی میکنند....

من در ادامه از نحوه کار کردن سازمانهایی مثل کمیته علیه اعدام و یا سازمان نازنین افشین جم علیه اعدام کودکان حرف میزنم که عبادی و دوستانش، آنها را همیشه "فراموش" میکنند.... و تاریخ مبارزه علیه اعدام را به اعتراضات خودشان در مورد دستگیری و یا شکنجه دوستان دوم خردادی خود، و یا دستگیرشدگانی که قبلاً در حکومت بوده و خودشان ترتیب احکام اعدام و یا سنگسار را میدادند، و امروز اسیر بخش دیگر حکومت هستند.... محدود میکنند.

سخنرانی من مورد تشویق زیادی قرار میگیرد و بعد از کنفرانس چندین دعوت نامه برای سخنرانی در کشورهای مختلف دریافت میکنم... سخنرانیهای بعدی در این جلسه به آمریکا و چین و ژاپن اختصاص دارد و جلسه در ساعت چهار و نیم خاتمه می یابد.

در خاتمه باید اضافه کنم که سه روز کنگره جهانی علیه اعدام، مملو از ابراز نفرت علیه حکومت اسلامی بود. هر جا از اعدام کودکان از اعدام فعالین سیاسی و یا همجنسگرایان حرف زده میشد، به ایران هم اشاره میشد. جمهوری اسلامی ایران مورد نفرت جهانی است و این موضوع مهم به مبارزات میلیونها نفر مردمی ربط دارد که علیه این حکومت و علیه اعدام پیا خاسته اند.

ما برای سرنوشتی این حکومت مبارزه میکنیم و با سرنوشتی این حکومت، راه برای ممنوعیت جهانی اعدام بازر خواهد شد.

مارس ۲۰۱۰ -

minaahadi@aol.com

صحبتهای دو گرداننده بحث اریک برنارد و اشتفان بوسارت شروع میشود. بخش اول در مورد ایران است. یک فیلم دو دقیقه و نیمی از ایران و اعدامها نشان داده میشود و سخنران اول شیرین عبادی است.

او در مورد اعدامها در ایران و نمونه فعالیتهای علیه اعدام حرف میزند. او اشاره ای به اعدامهای سال ۶۷ میکند، ولی از سال ۶۰ حرفی نمیزند و در مورد مبارزه علیه اعدام در ایران، فقط از فعالیتهای عمادالدین باقی و کمپین های که اخیراً دوستان ایشان به آن دست زده اند، مثل "اعدام کودکان بس"، حرف میزنند و کلاً، سخنرانی ضعیف و در عین حال نا دقیق و غیر موثری ارائه میدهد. نهایت حرف ایشان هم اینست که حکومت باید دموکراتیک شود و یا دموکراسی مهم است. بدون اشاره به اینکه کدام حکومت را میخواهیم دموکراتیک کنیم، حکومت اسلامی ایران را؟؟؟

بعد از ایشان نوبت سخنرانی من است. متن کامل سخنرانی خودم را بزودی منتشر خواهم کرد. فقط در اینجا باید تاکید کنم، برای من صحبت کردن در مورد این موضوع مهم، با احساسات و عواطف عمیقی عجین است. من نه به عنوان یک فرد، ناظر و یا حتی فعال حقوق بشر، بلکه یک نفر که از اعماق جامعه و از دل صدها نفر قربانیان این فاجعه، حرف میزنند، سخنرانی ام را نوشته ام و همین احساس را به صدها نفر حاضرین در کنفرانس سعی میکنم، منتقل کنم.

همان اول سخنرانی ام میگویم، رابطه من با این پنج حرف (اعدام)، متاسفانه فقط رابطه یک مسئول و یا فعال کمیته جهانی علیه اعدام نیست، رابطه ای است کاملاً نزدیک.

من ۲۰ ساله بودم که دیدم، دزدین عزیزان ما و تحویل دادن جسد آنها، چه زخم عمیقی در قلب ما حک میکند، و این زخم جاودان میماند. من در گوش صدای کودکانی را دارم که از زندان حکومت اسلامی به من

متن سخنرانی مینا احدی در چهارمین کنگره جهانی علیه اعدام



اسلامی نگاه میکنند و به نوعی دولتهای غربی و موسسات مختلف، اتحادیه اروپا و سازمان ملل، به این فجایع "عادت" کرده اند.

من در اینجا در مورد نحوه کار سازمانهایی مثل کمیته علیه اعدام و یا سازمانی که نازنین افیشتن جم علیه اعدام کودکان تشکیل داده، حرف میزنم.

این عکس کبرا رحمانپور است که در دست من میبینید. علاوه بر کمیتههای ما علیه سنگسار، اولین کمیته های بین المللی ما علیه مجازات اعدام از کمیته مبارزه علیه اعدام کبرا شروع شد. ما از اعماق جامعه حرف زدیم و از کسانی که اگر راجع به آنها کمیته انجام نمیدادیم، کسی حرف آنها را نمیزد. در مورد کبرا در سراسر جهان کمیته گذاشتیم و سرگشت او را به زبانهای مختلف ترجمه کردیم. کبرا امروز یک چهره سرشناس بین المللی است.

این یک عکس دیگر است، عکس دلارا دارابی، او نقاش و هنرمند و یک نوجوان که در ۱۷ سالگی دستگیر شد و بعدا اعدامش کردند. ما در کمیته های خودمان میگویم این محکومین به اعدام چه کسانی هستند، سرگذشت آنها چیست و از کدام موزیک خوششان می آید، نظر این افراد در مورد زندگی و یا ترس و امیدهای اینها چیست. ما به محکومین به اعدام چهار میدهیم و از این طریق کمیته هایمان را پیش میبریم.

دلارا دارابی روز اول ماه مه یعنی روز جهانی کارگر در ایران اعدام شد. و این بهترین شاخص هست که اعدام در ایران سیاسی است و وقتی حکومت میخواهد علیه کارگران عمل کند، دلارا و دلاراها را در این روزهای مهم اعدام میکنند.

من در اینجا در عین حال میخواهم بگویم که در ایران یک جنبش عظیم علیه اعدام وجود دارد. و ما از طریق فعالیتهای خودمان، یک رنسانس فکری در ایران علیه اعدام ایجاد میکنیم. امروز در ایران هیچ نهاد و سازمان اپوزیسیونی جرات نمیکند از اعدام دفاع کند.

ما در برنامه های رادیو و تلویزیونی متعدد، در ایران یک رفراوندوم علیه اعدام به پیش بردیم و این فعالیتهای ایران بسیار موثر و مهم بود.

من به اینجا آمده ام که صدای

غم و درد جانکاهی است که تا ابد در قلب و روح ما حک شده و جاودان باقی میماند.

رابطه من با این کلمه اعدام، از اینهم فراتر هست، من کسی هستم که از زندانهای جمهوری اسلامی نوجوانان به من زنگ میزنند و میگویند "خاله مینا کاری بکن، دارم ۱۸ ساله میشوم"، میدانید برای چه؟ چرا که من از مملکتی حرف میزنم که در آنجا کودکان و نوجوانان را در سلولهای مرگ نگهداری میکنند، تا به سن ۱۸ سالگی برسند و سپس یک روز بعد از جشن تولد ۱۸ سالگی آنها، این جوانان را اعدام میکنند.

در گوش من صدای مادران محکومین به اعدام، صدای زنان محکوم به اعدام و کسانی است که ممکنست امروز و یا فردا اعدام شوند، و در عین حال در گوش من صدای کودکانی است که در پشت در زندان اوین، لحظاتی را تجربه کرده اند که در آنسوی دیوار مادرانشان را اعدام کرده اند.

رابطه من با این پنج حرف، متأسفانه و متأسفانه بسیار نزدیکتر از این حرفها است!!!

ما در سال ۲۰۰۱، کمیته بین المللی علیه سنگسار و در سال ۲۰۰۴ کمیته بین المللی علیه اعدام را سازمان دادیم.

در اینجا در مورد دیپلماسی و اینکه آیا سیاستهای تا کنونی در مقابل دولتهایی که اعدام میکنند، موثر بوده و یا نه، سوال شد، در این مورد نظر من اینست: دیپلماسی اسم رمز، مماشات و کنار آمدن با این دولتها و حکومت اسلامی ایران بوده، در این مورد بیشتر توضیح میدهم.

من در سن ۲۰ سالگی خودم، اولین سنگسار را در زندگیم دیدم و همان وقت گفتم، اگر دنیا از این بربریت و وحشیگری اسلامی خبردار شود، ساعتها از حرکت می ایستند و کارخانه ها، کار نمیکنند تا بشر به این سببیت غیرقابل توصیف پاسخ درخور بدهد. اینکه زنان را با بی حرمتی کامل، در یک کیسه فرو کنند و در مقابل چشم همگان، آنها را زنده به گور کرده و با پرتاب سنگ زجرکش کنند، یک واقعه عظیم و یک جنایت علیه بشریت است و باید پاسخی به آن داد. متأسفانه امروز که ۵۳ سال دارم، می بینم که دنیا کماکان با صبر و حوصله به این جنایات حکومت

روز پنجشنبه ۲۵ ماه فوریه در شهر ژنو و در چهارمین کنگره بین المللی علیه اعدام در یک پلنوم بزرگ، مینا احدی و شیرین عبادی در مورد ایران و اعدامها در ایران حرف زدند. در اینجا متن سخنرانی مینا احدی را ملاحظه میکنید.

بسیار خوشحالم که در جمع صدها نفر مخالفین اعدام صحبت میکنم. دو روزی که در اینجا بودم، از بهترین روزهای زندگی من بود، چرا که احساس میکنم همه شما را از نزدیک می شناسم و فکر میکنم، دنیا با وجود انسانهایی مثل شما که شبانه روز علیه اعدام فعالیت میکنید، میتواند بهتر از اینها باشد که الان هست.

با این حساب، شاید شما هم مرا می شناسید، اما بهتر است کمی خودم را معرفی کنم. من مینا احدی هستم و سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام. رابطه من با این پنج حرف کلمه "اعدام" اما، فقط به این محدود نیست که با یک سازمان علیه اعدام کار میکنم، متأسفانه رابطه من با این کلمه پنج حرفی، بسیار نزدیکتر از اینها است.

۱۴ ساله بودم، وقتی حکومت شاه را نقد میکردم، مادرم به من گفت، مواظب حرفهای باش، میگیرند و می برند و اعدامت میکنند. آنزمان اعدامها اساسا علیه فعالین سرشناس سیاسی بود. من بعدا دانشجوی پزشکی دانشگاه تبریز بودم و در انقلاب علیه حکومت شاه فعالانه شرکت کردم، و بعد از انقلاب، ۲۰ ساله بودم که خانه من مورد حمله پاسداران قرار گرفت و به دلیل اینکه از آغاز مخالف حکومت اسلامی بودیم و علیه این حکومت، میتینگ سازمان میدادیم و می نوشتیم، ۶ نفر در خانه من دستگیر شدند و یک ماه بعد اعدام شدند. از جمله همسر من اسماعیل یگانه دوست. آنها مرا غیابی به اعدام محکوم کردند، چرا که در روز حمله به منزل، من اتفاقی خانه نبودم. و این حکم هنوز هم با برجا است. یعنی من چندین سال با این حکم زندگی کرده و میکنم و در موارد زیادی با محافظ در مجامع حاضر میشوم.

چرا که جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای ایران نیز، ترور میکند.

از من قبول کنید که رنج و غم عمیق کسانی را که عزیزان آنها را گرفته و جسد آنها را تحویل میدهند،

هستیم که هر کس به خامنه ای انتقاد کرد به اتهام جنگ با "خدا" اعدام میشود.

حکومتی که به وضوح نشان میدهد که اعدام وسیله ای است برای ارباب مردم و دفاع حکومت از موجودیت خود.

من آمده ام بگویم که باید این قطعنامه در این کنگره جهانی علیه حکومت اسلامی ایران داده شود.

لغو فوری همه اعدامها در ایران، لغو اعدام فعالین سیاسی و کودکان و همه اعدامها در ایران

لغو فوری قوانین مذهبی اسلامی و قصاص و چشم در آوردن و دست و پا بریدن.

جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش لغو سنگسار

دستگیری و محاکمه قاتلین و سران حکومت اسلامی با تشکر

مادر فرزاد کمانگر و مادرانی را منعکس کنم که با ترس و وحشت، به قتل رسیدن و اعدام فرزندان شان زندگی میکنند. من میخواهم صدای جوانانی را منعکس کنم که ممکنست امروز و یا فردا اعدام شوند. من آمده ام بگویم که دیپلماسی کارساز نیست و باید حکومت اسلامی ایران را زیر فشار گذاشت و آنرا به زیر کشید.

من آمده ام صدای پسر جوانی را منعکس کنم که یک هفته قبل به من زنگ زد و گفت: مینا مادر مرا فراموش نکن. یعنی سکینه محمدی آشتیانی که ممکنست به همین زودی در تبریز سنگسار شود ...

خانمها و آقایان!

این دیگری که اینجا میبینید، عکس رشیدی است. او اخیرا دستگیر شده و فقط به دلیل اینکه پلاکاردی در دست داشته که نوشته شده "احمدی نژاد فاشیست، پلی تکنیک جای تو نیست" دستگیر و محکوم به اعدام شده است. ما با دولتی و سیستمی طرف

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.antenasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

طرحی برای خانه خرابی بیشتر مردم

محمد شکوهی



طرح موسوم به "هدفمند کردن یارانه‌ها" برای جمهوری اسلامی یک طرح حیاتی است. اما این طرح دارای آنچنان تناقضات و مشکلات و موانعی است که حتی هنوز از دلالت‌های دولتی بعد از دوسه سال نتوانسته است رد شود و دعوا و اختلاف و کشاکش بر سر آن بالاست. مجلس اسلامی در نوزدهم مهر ماه امسال بالاخره این طرح را تصویب کرد. اما اخیراً با پیش آمدن بحث بودجه در مجلس و قرار دادن ۴۰ هزار میلیارد تومان در بودجه از محل "یارانه‌ها" دوباره بحثها و اختلافات شروع شد و همچنان ادامه دارد. بهررو اجازه دهید کمی به آمار و ارقام و این طرح کذایی بپردازیم. این طرح دولت را موظف می‌کند طی مدت پنج سال قیمت "حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی را به قیمت واقعی"، که طبعاً در سطحی بالاتر و گاه بسیار بالاتر از قیمت‌های کنونی است، نزدیک کند. بنابراین ادعای رژیم برای "عادلانه کردن" توزیع یارانه‌ها، طرح خوشه بندی به ترتیب زیر به اجرا در می‌آید. جمعیت کشور به سه خوشه تقسیم‌بندی میشوند:

در خوشه نخست که دهک اول تا چهارم را شامل می‌شود، حدود ۳۰ میلیون نفر،

در خوشه دوم دهک‌های پنجم تا هفتم جامعه با ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر

و در خوشه سوم دهک‌های هشتم تا دهم با ۱۴ میلیون نفر قرار گرفته اند.

یارانه‌ها فقط به خوشه اول و دوم پرداخت می‌شود. توضیح آنکه درآمد خانواده شش نفری در خوشه یک، کمتر از ۴۷۳ هزار تومان است. به عبارت دیگر، خانوار شش نفره ای که درآمدش بین ۴۷۳ هزار تومان تا ۷۸۸ هزار تومان است در خوشه دو قرار می‌گیرد و خانوار شش نفره ای که بیش از ۷۸۸ هزار تومان درآمد داشته باشد در خوشه سه قرار می‌گیرد. در آخرین خبری که در این رابطه روز سه شنبه ۱۱ اسفندماه اعلام شد سرانه یارانه برای هریارانی بین ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان می‌باشد و دولت و مجلس رقم ۲۰ هزار میلیارد تومان

تحصیلات، تعداد افراد شاغلین خانوار و میزان وام اخذ شده از نظام بانکی" دهک‌بندی‌ها انجام شده و اعلام کرده اند که در تعیین میزان دریافتی یارانه‌ها فیش حقوقی جایگاهی نداشته و موارد "غیردرآمدی" دهک‌ها در این حساب و کتابها مینا بوده و محاسبه شده است. با استناد به دسته‌بندی‌هایی که این طرح اعلام کرده مبنای تعیین میزان یارانه‌های دریافتی دهک پائین جامعه نه درآمدهای ماهانه که "منابع غیردرآمدی" می‌باشد. منابع غیردرآمدی را هم ردیف کرده اند که منظورشان چیست. مینا دستمزدهای واقعی و فعلی کارگران و اقشار کارکن جامعه نیست. سوال این است چند درصد از کارگران و کارکنان جامعه که اینها بخشا اعتراف می‌کنند تعدادشان با خانواده هایشان نزدیک به ۳۰ میلیون نفر می‌باشد، دستمزد و منبع درآمدشان در ماه نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان با موارد "غیردرآمدی" است؟ در شانی بخش اعظم مردم بویژه اقشار کارگر و زحمتکش که ظاهراً و بنابر ادعای دولت یارانه‌ها باید به این گروه پرداخته شود، یا فرم‌ها را پر نکرده اند و یا اطلاعات دقیق تری از نحوه و چند و چون پاسخ به سوالات ندارند. حداقل دستمزدهای ماهیانه در حال حاضر ۲۶۰ هزار تومان می‌باشد. میانگین دستمزدها را اینها ۳۶۰ هزار تومان اعلام کرده اند. جمعیت کارکن را ۳۰ میلیون اعلام کرده اند. تلاش کرده اند که بگویند قصد پرداخت یارانه به این ۳۰ میلیون نفر اولویتشان می‌باشد. از سوی دیگر خطر فقر توسط منابع رسمی تا مرز نزدیک به یک میلیون اعلام شده است. با استناد به آمارهایی که خودشان می‌دهند نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. همین سه هفته پیش وزارت مسکن اعلام کرد که ۷۰ درصد کارگران مسکن ندارند. به فرض که حتی همان رقم ۱۶ تا ۲۹ هزار تومان سرانه به مردمی که زیر خط فقر بسر می‌برند بسیار روشن است که حتی اگر گرانی و بالا رفتن قیمت‌ها را با اجرا این طرح به حساب نیاوریم بازهم فاصله بسیار عظیمی از خط فقر باقی میماند و این فاصله با اولین تکان قیمت‌ها از امروز بسیار بیشتر خواهد شد.

مورد "حامل‌های انرژی"، آن هم فقط مربوط بنزین می‌باشد. طرح می‌گوید: "که در سال اول تمرکز بر

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله‌ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواسته‌های حداقل فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

دولتی با تمام دم و دستگاه عریض و طویل آن در اولویت اول قرار دارد. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بویژه در بخش مربوط به "حامل‌های انرژی" برای خود رژیم ودولت و اقتصاد مافیایی وابسته به آن درآمد زا بوده، میزان مالیات دریافتی دولت از این گروه بالارفته، سوسیدی یا یارانه‌های پرداخت شده به کالاهای اساسی قرار است عمداً به این بخش سرازیر شود. بحث در مورد این طرح مفصل است. اما با همین معرفی کوتاه باید روشن باشد که این طرحی برای سر کیسه کردن و خانه خراب کردن بیشتر کارگران و مردم است و باید با اعتراض و مبارزه به همراه کل حکومت به زیاله دانش انداخت. *

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

سخنرانی نازنین برومند در جلسه اومانیتها در برلین



و جلسه در فضایی گرم و صمیمانه پایان یافت.

زندگی در رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را توضیح داد و سپس به سخنرانی درمورد موقعیت اسلام سیاسی در اروپا بخصوص کشور آلمان و ضرورت ایجاد سازمان اکس مسلم، کمپینها و اهداف این سازمان پرداخت. نازنین در سخنرانش در مورد قتل‌های ناموسی، حجاب کودکان،

روز پنجشنبه ۲۵ فوریه به دعوت سازمان اومانیتها در برلین جلسه ای درمورد سازمان اکس مسلم برگزار شد و از نازنین برومند بعنوان سخنران این جلسه دعوت شده بود تا در این مورد سخنرانی کند. نازنین برومند در ابتدا شرح حال مختصری از زندگی اش در ایران، تجربه او در انقلاب علیه رژیم شاه و

اپوزیسیون جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه برای قطع کامل حضور رژیم در خارج کشور و همزمان طرد سیاست های مداخلات جویانه با جمهوری اسلامی فرامیخواند. سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ اسفند ۱۳۸۸، ۲۸ فوریه ۲۰۱۰

فشار برای بستن سفارت‌های رژیم و جلوگیری از حضور تک تک سران و ابدای رژیم در خارج کشور را باید گسترش داد و دولت ها را تحت فشار هرچه بیشتر قرار داد که هر نوع رابطه سیاسی دیپلماتیک با جمهوری اسلامی بعنوان يك رژیم جنایتکار را قطع کنند. اینها خواست های جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم ایران است که فضای حاکم بر اعتراضات مردم در خارج کشور و بی آبرویی هرچه بیشتر جریانانات سازشکار در میان شبه

کنسل کردن آن شد و در مونیخ آلمان مدیریت هتلی که قرار بود در آن جشن نوروزی سرکنسولگری جمهوری اسلامی برگزار شود، بدلیل اعتراض مخالفان رژیم قرارداد مربوط به این جشن را لغو کرد.

حزب کمونیست کارگری به مردم آزاده و همه مخالفان رژیم که این شکست ها را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند درود میفرستد. این اعتراضات را باید گسترش داد و مانع کامل حضور رژیم در خارج کشور شد.

شکست های پی در پی جمهوری اسلامی در خارج کشور

انگلستان با سه شکست سیاسی مواجه شده است.

در ژاپن دو برنامه علی لاریجانی رئیس مجلس اسلامی در دانشگاه میجی گاکوایین و کلوپ خبری خبرنگاران بدلیل اعتراض مخالفین رژیم لغو شد. در انگلستان دانشگاه کمبریج بدلیل فضای اعتراضی، از همکاری با ریزینی فرهنگی جمهوری اسلامی انصراف داد و مجبور به

طی هفته های گذشته مخالفین جمهوری اسلامی در خارج کشور شکست های متعددی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده اند. برنامه های متعدد رژیم در خارج کشور به صحنه های پر شور اعتراض و افشاکاری تبدیل شده و اکثر این برنامه ها بهم خورده و یا از ترس اعتراض مردم کنسل شده است. فقط در چند روز گذشته جمهوری اسلامی در سه کشور ژاپن، آلمان و

با تلاش یکپارچه مخالفین جمهوری اسلامی جلسه بهروز افخمی کارگردان

رژیم اسلامی در تورنتو تعطیل شد

فعالیت های این مؤسسه، کلاس بهروز افخمی تا اطلاع ثانوی تعطیل است.

حزب کمونیست کارگری ایران يك بار دیگر اعلام می کند که حزب و انسانهای آزادیخواه و شریف اجازه نمیدهند که خارج کشور جولانگاه مزدوران رژیم اسلامی بشود و بساطشان را جمع میکنیم.

جنایتکار اسلامی را به پیش ببرد. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و جمعی از مخالفین جمهوری اسلامی با حضور خود در این محل موفق به تعطیل کردن این به اصطلاح کلاس کارگردانی شدند و مدیریت مؤسسه با انتشار اطلاعیه ای اعلام داشت که با توجه به اعتراض تعدادی از ساکنان ایرانی ساکن تورنتو و تأثیر منفی این اعتراض در

بهروز افخمی کارگردان مزدوری است که سران کشیف رژیم اسلامی میلیونها دلار در اختیار او گذاشته اند تا فیلمی در مورد زندگی خمینی جنایتکار و قاتل هزاران انسان مبارز و آزادیخواه به نام "فرزند صبح" بسازد. افخمی روز دوشنبه ۱ مارس جلسه ای برای شروع کار فیلم سازی و کارگردانی در تورنتو گذاشته بود تا گوشه دیگری از فعالیتهای رژیم

اجازه ندهیم محمد امین و لیان را اعدام کنند!



کمیته بین المللی علیه اعدام طی اطلاعیه ای در ۳ مارس از خطر اعدام محمد امین و لیان خبر میدهد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "مردم آزاده، ایرانیان خارج کشور! به این برنامه ریزی حکومت اسلامی برای قتل محمد امین و محمد امین ها اعتراض کنید. ما

میتوانیم در سراسر جهان، با براه انداختن موجی از اعتراض و مبارزه، دنیا را متوجه این جنایت کرده و از همگان برای اعمال فشار به حکومت اسلامی کمک بگیریم. دست به دست هم دهیم و نگذاریم محمد امین و لیان را اعدام کنند.

اعتراض به حضور شرکت مخابرات جمهوری اسلامی در نمایشگاه

بین المللی سیت در هانوفر آلمان

و همچنین برای آزادی زندانیان سیاسی سر دادند.

در این حرکت، از دولت آلمان و سازمان دهندگان این نمایشگاه بدلیل اجازه دادن به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی انتقاد شد.

تظاهرکنندگان با در دست داشتن عکسهای اعدام شدگان و یا جوانانی که در زندانهای حکومت اسلامی به قتل رسیدند، به جنایات حکومت ضد انسانی اسلامی اعتراض کردند.

منتقدین سر پا مانده است، اعتراض کردند. در این حرکت اعتراضی بارها تاکید شد که حکومت اسلامی ایران با جاسوسی و شنود مکالمات و "فیلتر" و دیگر اقدامات سرکوبگرانه، زندگی را بر مردم ایران به جهنمی تبدیل کرده است. این حکومت نباید اجازه داشته باشد، در همایش های بین المللی حضور یابد.

شرکت کنندگان در میتینگ شعارهایی به زبان آلمانی در مورد ترورهای جمهوری اسلامی، اعدامها

ایران سولیدارتی واحد آلمان طی اطلاعیه ای در ۴ مارس از اعتراض به حضور شرکت مخابرات جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی سیت در هانوفر گزارش میکند. در این روز میتینگی اعتراضی در مقابل این مرکز برگزار شد و ایرانیان معترض با دادن شعارهایی در محکومیت جنایات جمهوری اسلامی به حضور نمایندگان يك حکومت جنایتکار، حکومتی که با سانسور و دستگیری و شکنجه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

۱۱ شب بوقت اروپای مرکزی

۵ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!